

آموزش و تشریح فا در کنفرانس فای متروپولیتن نیویورک

(لی هنگجی، ۲۰ آوریل، ۲۰۰۳)

بخش پرسش و پاسخ

پرسش: تمامی مریدان دافای جینان به استاد درود می‌فرستند.

معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: مریدان دافای اتریش به استاد درود می‌فرستند. مریدان دافا از اورومچی،

شین جیانگ، به استاد درود می‌فرستند.

معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: هر وقت که بعضی بلایا برای موجودات بشری اتفاق می‌افتاد، مثل "۹-۱۱"

(۱۱ سپتامبر)، ویروس فعلی سارس، و شکنجه‌ی دیوانه‌وار علیه مریدان دافا، یا مثلاً

دستگیری گسترده‌ی مریدان دافا در میدان تیان‌آن‌من در یکم اکتبر ۲۰۰۰، بدن من

ناگهان واکنش‌های شدید رفع کارما را تجربه می‌کرد. اما آنها به سرعت گذشتند. آیا

من برای افراد عادی کارما را تحمل می‌کردم یا اینکه دلایل دیگری وجود داشت؟

معلم: تک تک شما در روند تزکیه کردن هستید، بنابراین واقعاً چیزی شبیه این که

شما چیزها را برای دیگران تحمل کنید وجود ندارد. شاید برحسب اتفاق نیروهای

کهن وضعیتی در آن زمان‌ها ایجاد کردند. نیروهای کهن نظم و ترتیب‌های بسیار

دقیقی در گذشته انجام دادند. برای شما سخت است که حتی فقط آنچه که

[کارمای] خودتان است را تحمل کنید، چه رسد به تحمل چیزها برای دیگران

(خنده). اما این، مواردی که شما نمی‌توانید به‌خوبی آزمایش‌ها را بگذرانید یا اینکه

شما وابستگی‌هایی دارید یا کار اشتباهی انجام می‌دهید اما به آن پی نبرده‌اید و نیروهای کهن یا موجودات شیطانی مداخله کرده و در بدن شما ناراحتی به وجود می‌آورند را غیر محتمل نمی‌سازد. در گذشته آن نوع چیزها خیلی اتفاق می‌افتادند.

پرسش: در روند خطیر و مصیبت‌بار طولانی تاریخ، چرا اکثر مردم نقش‌هایی را ایفا کردند که نمی‌خواستند؟

معلم: ساده است. درست مثل این بود که هرکسی نمایش بازی می‌کرد، و نیروهای کهن مطلقاً نمی‌گذاشتند شما بر طبق خواست خودتان آن را بازی کنید. آنها قطعاً هر چیزی که به آن مربوط می‌شد را نظم و ترتیب دادند، انگار که نمایشنامه‌ای وجود داشته باشد. به بیانی دیگر، در دوره‌های تاریخی مختلف این ماجرا به چه حالتی می‌رسید، چه موجودات بشری می‌داشت، و پس از اینکه یک دوره از تاریخ به پایان می‌رسید چه پیش می‌آمد، تمام مسیر تا کسب کردن فا در پایان و چگونه در کسب فا یاری می‌کرد— آنها چیزها را به این صورت نظم و ترتیب دادند، و برای همین است که بسیاری از چیزها آن طور که شما امید داشتید از کار در نیامد.

پرسش: چرا ایده‌ی "شکل‌گیری- سکون- فساد- انهدام" پیش از اینکه به "هماهنگ‌سازی بدون انهدام" فکر شود مدتی بسیار طولانی موجود بوده است؟

معلم: شما درباره‌ی تمام این‌ها به صورت یک انسان فکر می‌کنید. از کجا می‌دانید "بسیار طولانی" زمان برد؟ زمان‌های متفاوتی در سطوح مختلف کیهان وجود دارد، و این برای موجوداتی که توسط زمان‌ها در سطوح مختلف محدود هستند طول‌های متفاوتی از زمان را موجب می‌شود. نهایتاً جهان [از نظر زمان] چقدر طولانی است؟ برای شما این طور به نظر می‌رسد که من مدتی بسیار طولانی در حال انجام اصلاح- فا بوده‌ام، اما این در حقیقت فقط یک لحظه بوده است. طی این لحظه، در برخی مکان‌ها ده سال یا چندین دهه گذشته است، در برخی مکان‌ها تقریباً هم‌زمان است، و در برخی مکان‌ها ده‌ها میلیون سال یا صدها میلیون سال سپری شده است، و همه‌ی این‌ها به خاطر زمان‌های تعریف شده برای موجودات در بُعدهای مختلف

بوجود می‌آید. شما نمی‌توانید درباره‌ی مسائل از نظر زمان بشری فکر کنید. ۱۹۰

پرسش: استاد، لطفاً مرا درباره‌ی این دو پرسشی که دارم روشن سازید. فرق بین به درون نگاه کردن یک تزکیه‌کننده و خود را بررسی کردن یک فرد عادی چیست؟
معلم: فکر می‌کنم این پرسش... (افراد می‌خندند) همه می‌دانید می‌خواهم چه بگویم، اما باز هم آن را می‌گوییم: این‌طور به نظر می‌رسد که توسط کسی مطرح شده که تازه شروع کرده است. وقتی در دافا تزکیه می‌کنید، و وقتی هر مریدی واقعیت‌ها را در میان افراد عادی آشکار می‌کند، از اینکه افراد عادی به کسب و کارشان بپردازند از چه نظر متفاوت به نظر می‌رسد؟ شما اکنون همگی تزکیه‌کننده هستید، و تزکیه‌کنندگان چگونه با افراد عادی فرق دارند؟ شما غذا می‌خورید، و افراد عادی هم غذا می‌خورند، درست است؟ سرشت بنیادی فرق دارد، هدف نهایی و نقطه‌ی شروع فرق دارد، هدفی در زندگی که شما سعی دارید به آن دست یابید فرق دارد، و تغییرات بنیادی در بدن‌ها فرق دارد. نژاد بشری درحالی که چیزها را طلب می‌کند به‌طور پیوسته کارما جمع می‌کند؛ درحالی که مریدان دافا مداوماً تزکیه می‌کنند کارمای‌شان را از بین می‌برند و به‌طور پیوسته بدن‌های‌شان را به بدن‌های خدایی تبدیل می‌کنند. آیا این‌ها می‌توانند یکسان باشند؟ شاید یکسان به نظر بیایند. (تشویق)

پرسش: به هنگام مطرح کردن سلسله‌های چین و بازبیدایی، استاد اشاره کردند که ایالات متحده از سلسله‌ی چینگ بزرگ است، (معلم: نگفتم ایالات متحده از چینگ بزرگ آمد، گفتیم؟) (افراد می‌خندند) استرالیا از سلسله‌ی شیا است، اما فرانسه کشوری با تاریخی طولانی است. پس، این یک غلط‌چاپی است یا اینکه معنای درونی دیگری وجود دارد؟

معلم: آه، (افراد می‌خندند) از آنجا که مرا استاد می‌نامید، آن را برای شما پاسخ می‌گویم. (افراد می‌خندند، تشویق می‌کنند) در حقیقت، من نگفتم که ایالات متحده

چینگ بزرگ بود. چیزی که گفتم این بود که ایالات متحده مینگ بزرگ است (افراد می‌خندند) -- فرانسه چینگ است. البته، این صحبتی کلی و عمومی است. درباره‌ی تک تک اشخاص در آن ملتها صدق نمی‌کند، چون در گذشته تعداد زیادی از افراد بودند که آمدند و به دلخواه خود باز پیدا شدند، و این در نواحی مختلفی اتفاق افتاد. فرانسه کشوری است با تاریخی چند صد ساله، و کشوری است که هنرهای زیبای این تمدن بشری را به بهترین وجه نگه داشته است. هیچ غلط چاپی در کتاب نبود.

پرسش: من فا را بعد از " ۷/۲۰ " (۲۰ جولای) کسب کردم. وقتی پدیده‌ی کارمای بیماری رخ می‌دهد، اگر آن را به‌عنوان کارمای بیماری در نظر بگیرم و تصدیقش کنم، آیا دارم نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را تصدیق می‌کنم؟ آیا باید افکار درست بفرستم؟

معلم: درباره‌ی این در جوآن فالون صحبت کرده‌ام. از بین بردن کارما صرفاً مربوط به از بین بردن کارما نیست. اگرچه اکنون در حال تزکیه هستید، نمی‌توانید این‌طور فکر کنید که "من هیچ کارمای بیشتری را تسویه نمی‌کنم، صرفاً تمامش را از بین می‌برم و بعد کارم را تمام کرده‌ام". نمی‌توانید چنین کاری کنید. شما در گذشته‌ی خود با انجام کارهای بد کارما ایجاد کردید. فقط وقتی در جامعه‌ی عادی کارهای بد انجام داده باشید کارما تولید می‌کنید. نمی‌توانید قرضی را که بدهکار هستید تسویه نکنید. برای همین است که وقتی در حال تزکیه کردن، کارمای‌تان را تسویه می‌کنید رنج می‌کشید. اگر رنج نمی‌کشیدید وقتی کارما برطرف می‌شد هیچ چیزی احساس نمی‌کردید، فقط یک نسیم خنک خوش‌آیند می‌بود. می‌دانید، وقتی شما قبلاً در آن روزهای قدیم در سمینارها بودید -- برخی از شما در سمینارهای برگزار شده توسط استاد شرکت کردید -- وقتی استاد دستش را حرکتی داد، و وقتی شما از کلاس بدون هیچ بیماری‌ای خارج شدید، در همه‌جا احساس سبکی می‌کردید، کل بدن‌تان مثل پر سبک بود، و احساس مریض بودن رفته بود، آیا این‌طور نبود؟ (تشویق) اما نمی‌توانید از استاد بخواهید که تمام آن را برای‌تان تحمل کند، بنابراین

مجبورید خودتان تزکیه کنید. [در غیر این صورت،] وقتی شما واقعاً به قلمرویی بالا می‌رسیدید، خدایان نگاهی می‌انداختند و می‌گفتند، "همه‌ی کارمایت برداشته شده؟ تو راه خود را تا این بالا تزکیه نکردی؟ آیا می‌توانیم این را اجازه دهیم؟ خیر." وقتی که در حال از بین بردن کارما هستید دردناک/است، و به همین دلیل است که می‌توانید رشد کنید. امور به این صورت هستند.

در ارتباط با اینکه آیا نیروهای کهن در حال مداخله کردن هستند، وقتی که شما در حال تغییر دادن سطحی‌ترین بخش بدن‌های خودتان هستید قسمتی وجود دارد که لازم است خودتان تحمل کنید. اما به طور نسبی بگوییم زیاد نیست، و تأثیر خیلی زیادی روی اعتباربخشی به فا نخواهد داشت. وقتی سختی‌های بزرگی ظاهر می‌شوند، این باید شیطان باشد که درحال مداخله است، و باید افکار درست بفرستید تا آن را از بین ببرید! امروز آنچه مریدان دافا انجام می‌دهند چیزهایی هستند که به فا اعتبار می‌بخشند، و آنها مقدس‌ترین و باشکوه‌ترین کارها هستند. اگر در حال انجام دادن کارهای دافا باشید و طی زمان بحرانی نجات موجودات ذی‌شعور چیزی اتفاق بیفتد، آنگاه این باید مداخله باشد. لازم است آن را معقولانه ارزیابی کنید. وابسته نباشید و فکر کنید، "هروقت رنج می‌کشم یا احساس خوبی ندارم، باید مداخله باشد. اگر رنج بکشم یا احساس خوبی نداشته باشم نمی‌توانم آن را قبول کنم. باید افکار درست بفرستم." البته، برای شما صحیح است که افکار درست بفرستید. گونگی که بیرون می‌فرستید از چیزهایی که قرار است مراقبت به عمل آورد، مراقبت می‌کند، و وقتی به چیزهایی می‌رسد که قرار نیست مراقبت کند، گونگ بر طبق فا عمل خواهد کرد، چون این گونگ با تزکیه کردن شما بر طبق استاندارد فا تزکیه شد. (افراد می‌خندند) بنابراین چیزی که فکر می‌کنم این است که باید معقولانه کارها را انجام دهید.

پرسش: آیا بین روح‌های اصلی و روح‌های کمکی رابطه‌های کارمایی وجود دارد؟
معلم: برخی رابطه‌های کارمایی دارند، برخی ندارند. من فقط در مورد افراد عادی صحبت می‌کنم، نه مریدان دافا. در رابطه با مردم دنیا، اغلب متوجه می‌شوم که

فردی در تاریخ چین و چنان شخص بود، اما بعد در مکانی دیگر پی می‌برم فرد دیگری نیز در تاریخ چین و چنان شخص بود. حتی در ایالات متحده، [جایی] بسیار دورتر و جدا شده توسط اقیانوس، هنوز هم متوجه این پدیده می‌شوم. چرا؟ این یعنی مردم روح اصلی، روح کمکی و عناصر دیگری دارند. همچنین گفته‌ام که مردم عناصری از بدن گوشتی بشری نیز دارند. بنابراین امکان دارد چندین شخص که در یک زمان در دنیا زندگی می‌کنند در تاریخ شخص یکسانی بوده باشند. پدیده‌های بسیاری مثل این وجود دارد.

پرسش: *مریدان دافا از هاربین به استاد ارجمند درود می‌فرستند.*

معلم: از همگی متشکرم. (تسویق)

پرسش: *مهم نیست محیط چگونه خشن و مخاطره‌آمیز باشد یا شیطان چگونه لگام‌گسیخته عمل کند، ما به طور حتم استاد را دنبال خواهیم کرد و به خوبی مسیر پایانی‌مان را می‌پیماییم. استاد، لطفاً آسوده خاطر باشید.*

معلم: متشکرم. (تسویق) این را باور دارم، این را اکنون حقیقتاً باور دارم. وقتی که آزار و شکنجه‌ی شیطانی در آغاز حدود ۲۰ جولای ۱۹۹۹ شروع شد، فقط می‌توانستم تماشا کنم و ببینم که آیا می‌توانستید در آن موفق شوید (خنده). آیا چیزی را که در گذشته، قبل از ۲۰ جولای ۱۹۹۹ گفتم به خاطر می‌آورید؟ گفتم که حتی اگر می‌توانستم تنها یک شخص را با موفقیت نجات دهم، کارهایم بیهوده انجام نشده بودند. (تسویق) به شما می‌گویم، در آن زمان در ذهنم مطمئن نبودم— نمی‌دانستم که آیا قادر می‌بودید در لحظات حقیقتاً بحرانی با موفقیت بیرون بیایید. البته، اگر واقعاً فقط یک شخص بود که در ترکیه موفق شده بود او را کیهان می‌ساختم، و او همه چیز می‌داشت. (تسویق) البته، (با خنده) اکنون تنها یک نفر وجود ندارد. درست شبیه چیزی است که دیده‌اید. اکنون این را حقیقتاً باور دارم. افکار درست مریدان دافا نمی‌تواند توسط هیچ کسی تضعیف شود. موفقیت مسئله‌ای است مربوط به دستاورد مریدان دافا طی دوره‌ی اصلاح-فا، و این مسئله‌ای است

مربوط به اینکه آیا آن افراد در دنیا با رابطه‌های کارمایی می‌توانند نجات پیدا کنند، در صورتی که اصلاح- فا در بدن کیهانی مطمئناً موفق خواهد شد.

پرسش: از طرف مریدان دافای پکن، به استاد درود می‌فرستم.
معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: پرسش دیگری دارم، که درباره‌ی این است که آیا فردی خاص جاسوس است یا اینکه شستشوی مغزی داده شده است. آیا می‌توانیم از استاد چنین پرسش‌هایی بپرسیم؟

معلم: به این صورت به آن نگاه می‌کنم. اینکه آیا کسی شستشوی مغزی داده شده یا نه، صرفاً چیزی بشری است. چیزی که من به آن نگاه می‌کنم بنیان‌های یک موجود است. هر کسی که مسیرش را به خوبی نیپماید تاریخ خود را لکه‌دار خواهد کرد و خسارت و ضرری جبران‌ناپذیر برای آینده‌ی خودش به بار خواهد آورد. اما، به منظور نجات موجودات ذی‌شعور، استاد والاترین نیک‌خواهی را ارائه می‌کند. همان‌طور که در سخنرانی‌های گذشته‌ام گفته‌ام، من اهمیتی نمی‌دهم که شما یک جاسوس هستید یا چه نوع کاری را انجام می‌دهید، با شما به عنوان یک موجود بشری رفتار می‌کنم. اول از همه شما همگی موجودات بشری هستید-- تنها این‌طور است که مسیر کاری شما متفاوت است. تنها به این خاطر که مسیر کاری‌تان متفاوت است این فرصت بی‌نهایت نادر را از دست ندهید. نسبت به وجود خودتان مسئول باشید. نمی‌توانم تنها به این خاطر که مسیر کاری شما متفاوت است نجات را از شما سلب کنم. اما، از سوی دیگر، نمی‌توانم فقط به دلیل اینکه کارتان مخصوص است کاری کنم که به کمال برسید و در آینده بمانید حتی وقتی کارهایی انجام داده‌اید که به دافا آسیب می‌رساند، یا وقتی که به دافا و مریدان دافا آزار و صدمه رسانده‌اید. عملکرد آن این‌گونه است. البته، هنوز فرصت‌هایی وجود دارد زیرا آزار و شکنجه به پایان نرسیده است، اما زمان به سرعت در حال به پایان رسیدن است. اینکه چه انجام دهید و چگونه جبران کنید به شما مربوط می‌شود. قدر وقت را

بدانید!

پرسش: بعضی افراد نمی‌توانند دافا را ترک کنند، ولی بشر بودن‌شان را هم نمی‌توانند رها کنند. در ظاهر در حال تزکیه و انجام برخی کارهای اصلاح-فا هستند، اما در واقع در حال ایجاد مشکل هستند و اختلال و مزاحمت ایجاد می‌کنند، که برخی حتی مرتکب خودکشی و همجنس‌بازی شده‌اند. چه بر سر این افراد خواهد آمد؟ آیا به بُعد اهریمن‌ها خواهند رفت؟ و برای آنانی که از آنها دفاع می‌کنند چه اتفاقی خواهد داد؟

معلم: درباره‌ی تمام آن مسائل می‌دانم. مگر در حالتی که مطلقاً هیچ انتخاب دیگری نداشته باشم نمی‌خواهم که آنها را بیرون برانم، بنابراین من در حال نظاره و تماشای این چیزها هستم. بهترین چیز این است که این افراد، اگر می‌خواهند که با خودشان آن‌طور که شایسته است رفتار کرده باشند، به سرعت بیدار شوند-- به سرعت بیدار شوند! اگر مصمم هستید که چنین کنید، پس به مریدان دافا درباره‌ی کارهایی که انجام داده‌اید بگویید، و این می‌تواند کمک کند. وقت در حال کوتاه شدن است. من واقعاً درباره‌ی شما نگران هستم. رحمت استاد را این‌قدر سبک نگیرید. فا استانداردهایی دارد.

پرسش: چگونه می‌توانیم بهتر به هم تزکیه‌کنندگان خود کمک کنیم به طوری که بتوانیم به صورت کل رشد کنیم؟

معلم: در حقیقت، وقتی به این چیزهای بخصوص می‌رسد هنوز نیاز دارید که خودتان آنها را انجام دهید. تقوای عظیم باید توسط خود شما بنا گذاشته شود، و مسیر تزکیه باید توسط خود شما پیموده شود. اگر به شما می‌گفتم که هر چیز کوچکی را چگونه انجام دهید، فرصت بنا گذاشتن تقوای عظیم را از دست می‌دادید. در این مسیر اصلاح-فا، و در این مسیر تزکیه، مطمئناً محنت‌ها وجود خواهند داشت، مطمئناً انواع و اقسام عدم توافرها وجود خواهند داشت، و مطمئناً آن نوع افرادی که کمی قبل توسط آن شاگرد ذکر شد وجود خواهند داشت. این بدین خاطر

است که نیروهای کهن فکر می‌کنند، "اگر مریدان دافای تو بسیار خالص باشند و هیچ مداخله‌ای نداشته باشند، پس چگونه قصد دارند که از بعضی از افکار بدشان خلاص شوند؟ چگونه می‌توانی ثابت کنی که دافایت از چنان محیط پیچیده‌ای بیرون آمده و تقوای عظیم بنا نهاده است؟" این دلیل آن است که چرا می‌خواستند آن کار را انجام دهند و چرا نظم و ترتیب دادند تا برخی از افراد وجود داشته باشند و برخی چیزها اتفاق بیفتند— این نیروهای کهن بودند که می‌خواستند آن کارها را انجام دهند. من هیچ چیز آن را تصدیق نمی‌کنم. پس در این صورت، چرا از آن افراد خلاص نمی‌شوم؟ همان‌طور که هم‌اکنون گفتم، من بزرگ‌ترین نیک‌خواهی را نسبت به آنها دارم، من منتظرشان هستم تا خود را تغییر دهند، و منتظر هستم که آنها خودشان این فرصت را از دست ندهند. این چیزی است که درباره‌ی آن فکر می‌کنم. (تشوئیک)

پرسش: چگونه می‌توانیم بهتر به صورت کل رشد کنیم و به صورت کل ترفیع یابیم؟

معلم: اگر با همدیگر به خوبی همکاری کنید آن وقت می‌توانید این کار را به انجام برسانید. قلمروی هر کسی متفاوت است، و اکنون به شما می‌گویم، استاد دیده است که بعضی از ناهمخوانی‌ها میان شاگردان افزایش یافته است. قبلاً معلوم نبود، اما حالا آنها افزایش پیدا کرده‌اند، و هر چه بیشتر به انتها پیش می‌رود ناهمخوانی‌ها بزرگ‌تر می‌شوند. بنابراین در درک و فهم‌های افراد مطمئناً تفاوت‌هایی وجود خواهد داشت. نکته‌ی کلیدی این است که چگونه با یکدیگر بهتر همکاری کرد و بهتر هماهنگی کرد.

پرسش: نقش آمریکای لاتین در اصلاح- فا چیست؟ چگونه باید در آمریکای لاتین بهتر عمل کنیم؟

معلم: شاگردان در برخی مناطق توسط محیط‌شان، وضعیت مهاجرت، و حتی اوضاع مالی‌شان تحت تأثیر واقع شده‌اند، و این اعتباربخشی به فا را برای آنها واقعاً دشوار

می‌کند. استاد درباره‌ی تمام این مسائل می‌داند. اما اهمیتی ندارد [وضعیت] چه باشد، امید موجودات آنجا شما هستید! در آینده این را می‌بینید. (تسویق) اگر یک قومیت یا یک کشور در حال حاضر مریدان دافایی نداشته باشد، این برای آنها مشکلات بسیار زیادی به بار خواهد آورد— و کمترین حالتش این است. بنابراین مهم نیست که در مکانی خاص چقدر تعداد مریدان دافا کم باشد، آن امید آن گروه قومی است. یک بار شاگردی از من پرسید که "محبت بی‌حد بودا" معنی‌اش چیست؟ موجودات بشری چگونه می‌توانند آن را درک کنند؟ آنها می‌گویند اینکه بودا رحمتی والا دارد و مردم را از زجر کشیدن و سختی نجات می‌دهد "محبت بی‌حد بودا" است— درک مردم این‌طور کم‌عمق است. درباره‌ی این فکر کنید، مهم نیست کجا هستید، مهم نیست در کدام قومیت، کدام منطقه، یا کدام کشور باشید، در ظاهر شما فردی معمولی و عادی هستید، و فقط یک موجود دیگری، اما واقعیت این است که همیشه افرادی هستند که با شما روابط کارمایی دارند. نه تنها این، بلکه همان‌طور که قبلاً بارها به شما گفته‌ام، ذرات در سطوح بی‌اندازه میکروسکوپی، ذرات در سطح بالای بعدی را شکل می‌دهند، و ذرات در سطح بالای بعدی، ذرات در سطح بالاتر بعدی را شکل می‌دهند، و به این شکل دائماً ذرات بزرگ‌تر را شکل می‌دهند. و در هر لایه از ذرات تعدادی نامتناهی از موجودات وجود دارد. اگر یک ذره‌ی کوچک را بزرگ‌نمایی کنید خواهید دید که، درست مثل روی زمین و سیارات، موجودات بی‌شماری بر روی آن وجود دارند. درباره‌ی این فکر کنید، چه تعداد ذره یک بدن بشری را می‌سازد؟ و این‌ها فقط چیزهایی درون محدوده‌ی خودتان هستند. یک موجود بشری همچنین موجودی است که در محدوده‌ی این محیط وجود دارد، درست مثل یک اسفنجی که غوطه‌ور در آب است. این دنیا مانند آب است، و ماده و موجودات میکروسکوپی آن قدر بی‌شمار هستند که چگالی آن شبیه چگالی آب است. هر کجا که هستید، درون محدوده‌ی شما موجودات میکروسکوپی‌ای بسیار عظیم و بزرگ وجود داشته که با بدن‌تان تناظر دارند. بنابراین وقتی شخصی تزکیه می‌کند، شما فقط لایه لایه‌ی بدن خودتان را تزکیه نکرده‌اید، سلول‌های لایه لایه‌ی ذرات

شما همگی به شکل شما هستند. و آیا درباره‌ی این فکر کرده‌اید: پس از اینکه سلول یک ذره را بزرگنمایی کنید، آیا باز هم موجودات بی‌شماری روی آن وجود ندارند؟ و آیا امکانش هست موجوداتی وجود داشته که به شکل انسان باشند؟ بنابراین چه تعداد سلول شبیه این وجود دارد؟ در حقیقت، برای موجودات میکروسکوپی، سلول شما سیاره‌ی آنها است. و تنها سلول‌ها نیستند— چه تعداد ذره‌ی میکروسکوپی یک سلول را می‌سازند؟ یک سلول یا یک ذره‌ی میکروسکوپی به شکل شما، پادشاه تمام موجودات در آن ذره است، و تمامی موجودات بی‌شمار در آنجا توسط آن حکومت می‌شوند. اگر شما خود را به‌خوبی تزکیه نکنید سلول‌های‌تان به خوبی تزکیه نخواهند شد؛ اگر شما خود را به‌خوبی تزکیه کرده‌اید سلول‌های‌تان خوب تزکیه شده‌اند، و موجودات در حیطه‌ی تحت اختیار سلول‌های شما به خوبی تزکیه می‌شوند. پس درباره‌ی این فکر کنید، وقتی یک موجود در تزکیه موفق می‌شود، چه تعداد موجود در نتیجه‌ی آن با موفقیت تزکیه می‌شوند؟

در چشم خدایان، به این شکل نیست که موجودات بزرگ ارزشمندند و موجودات کوچک نیستند. می‌دانید، حتی در دنیاهایی که آن قدر ریز بوده که به طور قابل ملاحظه‌ای میکروسکوپی‌اند بوداها وجود دارند. اندازه‌ی یک موجود اهمیتی ندارد— تفاوتی ایجاد نمی‌کند، و فرقی در ساختار وجود ندارد. تنها این طور است که ذراتی که آنها را تشکیل می‌دهد اندازه‌ی بدن‌شان را تعیین می‌کند. موجودات برابرند. درباره‌ی این فکر کنید، اگر یک شخص نجات یابد و در تزکیه موفق شود، چه تعداد موجودات بی‌شمار و بی‌پایان به طور موفقیت‌آمیز تزکیه شده و نجات خواهند یافت؟ اما طی فرآیندِ باموفقیت تزکیه کردن، صلح و آشتی دادن هر موجود منفرد که در گروه‌های موجودات در جهان‌های میکروسکوپی و جهان‌های ماکروسکوپی بی‌شمار هستند خردی بسیار زیاد و تفکر و مواظبتی بسیار زیاد می‌برد! درست مثل [رونند] نجات دادن شما است: مسائل آنها درست به همان شکل باید حل و فصل شود. "محبت بی‌حد بودا" معنی‌اش چیست؟ درباره‌ی این فکر کنید، وقتی یک شخص نجات می‌یابد، آن بودایی که او را نجات می‌دهد به چه اندازه مجبور است بدهد؟

برای تمام آن موجودات در جهان‌های میکروسکوپی بی‌حد که با شخص تناظر دارند، او مجبور است-- درست شبیه چیزی که طی فرآیند تزکیه‌ی شما انجام می‌شود-- در آغاز بدن‌های آنها را به‌خوبی تنظیم کند، به آنها اجازه دهد تا کسب کنند، قادرشان سازد که آن را اداره کنند، و به کارمای آنها بپردازد. چه مأموریت عظیم و پیچیده‌ای است! آیا به هیچ‌وجه ممکن است که این بدون نیک‌خواهی حاصل شود؟ پس افراد عادی چگونه می‌توانند عبارت "محبت بی‌حد بودا" را بفهمند؟ درباره‌ی این فکر کنید، وقتی یک شخص در تزکیه موفق می‌شود به این معنی است که سیستمی غول‌پیکر و عظیم با موفقیت تزکیه می‌شود. کمی قبل گفتم، و به نظر رسید که شوخی می‌کردم، که اگر فقط یک شخص در تزکیه موفق می‌شد، آنگاه آن شخص را کیهان می‌کردم. مهم نیست بدن کیهانی او چقدر بزرگ بود، کاری می‌کردم که همه‌ی ساختارهای کیهان درون محدوده‌ی بدن او وجود داشته باشند. حالا که این را گفته‌ام، زیاد درگیر آن نشوید. استاد قادر است آن را انجام دهد-- این‌طور است. پس به عنوان مریدان دافا، مهم نیست کجا هستید، شما در حال آوردن برکت‌هایی بی‌کران برای موجودات آنجا هستید، و برای آنها در حال گذاشتن بنیانی برای آینده هستید، بنیانی برای نجات یافتن در آینده. به این صورت است. (تشویق)

پرسش: ممکن است لطفاً استاد درباره‌ی اینکه چگونه، در دوره‌ی اصلاح- فاء، مریدان دافا می‌توانند از نظر خرج کردن پول و استفاده از چیزهای مادی مسیری درست را بیمایند صحبت کنند؟

معلم: بله، در دوره‌ی اصلاح- فاء تغییر ویژه‌ای در وضعیت بوده است. برای آن بخش از تاریخ شما که تزکیه‌ی شخصی انجام دادید خطی پیش از این کشیده شده است. طی آن دوره آن فقط تزکیه بود، و هر کسی مجبور است آن را به آن طریق انجام دهد. اما وضعیت امروز در جامعه با قبل فرق می‌کند. همان‌طور که دیده‌اید، علم امروز وسایل حمل و نقل نوین و وسائل ارتباط جمعی بسیار زیادی را پدید آورده است. پس درباره‌ی این فکر کنید، خصوصاً با این وسائل ارتباط جمعی، وقتی یک شخص در یک مکان صحبت می‌کند، مردم سراسر دنیا می‌توانند بلافاصله به

طور هم‌زمان درباره‌ی آن بدانند، آن را بشنوند، و ببینند. اثری که دارد مهم و قابل توجه است. از منظر نیروهای کهن، موجودات شیطانی در حال استفاده از این چیزها برای به اجرا درآوردن آزار و شکنجه و دروغ گفتن هستند. وقتی مریدان دافا برای گفتگو با مردم فقط به دهان خود تکیه می‌کنند گاهی اوقات احساس می‌کنند سخت است که افراد بیشتری را نجات داد. البته، یک نفر از شما با ده یا صد نفر برابری می‌کند. اما هر چه باشد، شما در حال افشا کردن دروغ‌ها و شرارتی هستید که به وسیله‌ی تمام ماشین‌های تبلیغاتی یک کشور تولید شدند—هنوز هم خیلی سخت است. بنابراین وقتی شما این ابزارهای رسانه‌ای مردم عادی را به کار می‌گیرید تا به فا اعتبار ببخشید، شیطان را افشا کنید، و موجودات ذی‌شعور را نجات دهید، اصولاً اشتباه نیست. از آنجا که دانش امروزی هم‌اکنون جامعه‌ای ویژه مثل این را بوجود آورده است، به هنگام اعتباربخشی به فا شما برای انجام آن کارها به مقداری منابع مالی نیاز دارید. اما علیرغم آن، تا به امروز، که تمامی این جریان نزدیک به پایان یافتن است، ما حتی یک ریال هم از هیچ کشور، هیچ دولت، هیچ نهاد، یا هیچ شرکتی دریافت نکرده‌ایم. هر چیزی که ما انجام داده‌ایم توسط استفاده‌ی مریدان دافا از حقوق، درآمد، و عواید خودشان تأمین شده است.

نیروهای کهن در حال جلوگیری از مردم هستند، و فکر می‌کنند که فقط با انجام دادن کارها به این طریق شما قابل توجه هستید: "شما قادرید که تحت چنین شرایط دشواری به فا اعتبار ببخشید، این قابل توجه است، و شما تقوایی عظیم بنا کرده‌اید." بنابراین نیروهای کهن به طور بدخواهانه‌ای در حال مداخله با اصلاح-فای من، مداخله با اعتباربخشی به فای مریدان دافا هستند، و آنها حمایت مردم از دافا را تحت تأثیر قرار داده‌اند و سرسختانه منابع سرمایه‌گذاری در جامعه را مسدود کرده‌اند. در اعتباربخشی به فا مریدان دافا همواره مشکلات مالی داشته‌اند. برخی شاگردان حتی به زحمت می‌توانند امرار معاش کنند. تحت این شرایط شما در حال اعتباربخشی به فا و انجام آنچه که مریدان دافا باید انجام دهند هستید، و این البته که قابل توجه است. اما من نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را تصدیق نمی‌کنم.

این یک چنین موضوع جدی‌ای است-- اصلاح- فا در سراسر کیهان در حال رخ دادن است، و آینده‌ی کیهان جدید در حال ساخته شدن است! فا برای مدتی طولانی وجود داشته است، و من با این دافای تماماً دربرگیرنده و تماماً هماهنگ‌کننده آمده‌ام. نیازی ندارم که لایه لایه‌ی موجودات هیچ بنیانی برای فا بگذارند، و نیازی ندارم که لایه لایه‌ی موجودات یا افراد عادی چیزی به دافا بدهند. آنها مفاهیم و عامل‌هایی هستند که نیروهای کهن در تاریخ شکل دادند، آنها در حال استفاده از آن حقایق فای کهن آن دوره‌های فساد و نابودی هستند تا با اصلاح- فا مداخله کنند، و تأثیر هر چیزی که انجام داده‌اند آسیب رساندن بوده است.

با گفتن این، به شما می‌گویم که شما هنوز نمی‌توانید از شاگردانی که برای گذران زندگی به حقوق‌شان متکی هستند پول جمع‌آوری کنید. اصل این است که ما نمی‌توانیم از شاگردان پول جمع‌آوری کنیم، و مدت‌ها پیش این را گفته‌ام. میان مریدان دافا افرادی وجود دارند که کسب و کار خودشان را اداره می‌کنند و کمی پول بیشتری دارند، و اگر آنها مایل باشند که پولی شرکت دهند تا برخی کارها را به انجام برسانند، آن صحیح است، اما درباره‌ی اینکه تا کجا پیش می‌رود مراقب باشید. وقتی شاگردان عادی ما به هنگام اعتباربخشی به فا برای انجام کارها از درآمد خودشان استفاده می‌کنند، اصولاً آن مشکلی نیست، و چیز اشتباهی در رابطه با آن وجود ندارد، زیرا استفاده از درآمد خودتان برای اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور تقوای عظیم‌تان است. وقتی در وضعیت‌های ویژه مریدان دافا برخی کارها را با هم انجام می‌دهند، به طور مثال، فرض کنید برخی از شما بخواهید یک شرکت رسانه‌ای یا چیزی دیگر را راه‌اندازی کنید، و برای انجام آن با هم مشترکاً مقداری پول سرمایه‌گذاری می‌کنید، اصولاً در رابطه با آن هم چیز اشتباهی وجود ندارد، زیرا این دافا نیست که در حال انجام کاری می‌باشد، این مریدان دافا هستند که به خواست خودشان در حال راه‌اندازی شرکتی در اجتماع هستند، و آن در جامعه نوعی کار است؛ این مریدان دافا هستند که خود، چیزها را به جریان می‌اندازند و

انجام آن را سازماندهی می‌کنند، و این خود دافا نیست که در حال انجام آن است. البته، مریدان دافا در حال فراهم آوردن شرایطی مطلوب برای آشکارسازی واقعیت‌ها هستند. اما با این حال هم، به شما می‌گوییم، نمی‌توانید همین‌طور به‌دلخواه از شاگردان نوعی ما پول جمع‌آوری کنید. این چیزی حک شده بر روی سنگ است. در رابطه با مواردی که کسی که توانمندتر است و زندگی روزمره‌اش تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت مقداری پول شرکت می‌دهد تا کارهای دافا را انجام دهد، این از وضعیتی که بیان کردم مستثنی است چون هر چه که باشد، این‌ها موارد مجزایی هستند. هرگز به شما نگفته‌ام که نوعی "عوارض عضویت" جمع‌آوری کنید یا مثل آنچه مذاهب انجام می‌دهند برای صدقه و خیرات گدایی کنید. نمی‌توانید هیچ یک از این کارها را انجام دهید.

پرسش: در رابطه با ترکیه‌ی مهربانی (شَن)، فکر می‌کنم که ناتوانی ما در به‌خوبی انجام دادن بسیاری از کارها به علت ترکیه‌ی ناکافی مهربانی است.

معلم: این‌طور باید بیان شود: وقتی که به مردم دنیا می‌رسد، باید بهترین سعی‌مان را بکنیم که آنها را نجات دهیم و باید با آنها مهربان باشیم. نه فقط باید مهربان باشیم، بلکه همچنین باید با نیک‌خواهی موجودات ذی‌شعور را نجات دهیم. در این شکنجه و آزار آنهایی که بیشترین صدمه را دیده‌اند در واقع مردم دنیا هستند. در حقیقت، آن موجودات شیطانی می‌خواهند از این شکنجه استفاده کنند تا زندگی‌های مردم آینده را نابود کنند. بنابراین ما باید با مردم دنیا نیک‌خواه باشیم، واقعیت‌ها را به آنها بگوییم و نجات‌شان دهیم، و نگذاریم که آنها در لحظه‌ای که فانیای بشری را اصلاح می‌کند دور ریخته شوند.

اما وقتی در حال فرستادن افکار درست هستید، اکثریت آنهایی که با آنها سر و کار دارید بدترین موجودات در هر بُعد هستند، شامل آن پلیس‌های غیرقابل نجات و پلید این دنیا. بنابراین وقتی به آن افراد می‌رسد، به‌خصوص آن موجودات درهم و برهم در بُعدهای دیگر که در حال صدمه زدن به نژاد بشری هستند، فکر می‌کنم نمی‌توانیم نرم و آسان‌گیر باشیم و نیازی نیست که با آنها مهربان باشیم. اما

نمی‌خواهیم نسبت به آنها بد هم باشیم، و حتی کمتر این‌طور است که باید از پلیدی برای غلبه کردن بر پلید استفاده کنیم. آنهایی که به مردم دنیا صدمه می‌زنند، به موجودات ذی‌شعور صدمه می‌زنند، و با دافا مداخله می‌کنند، صرفاً دیگر نمی‌توانند وجود داشته باشند، و ما صرفاً باید دست‌های خود را عمود نگه داریم و از آنها خلاص شویم. البته، به عنوان مریدان دافا، شما مهربانی را تزکیه می‌کنید، و بخشی شرور یا پلید ندارید. اما وقتی به چیزی می‌رسد که باید از بین برود، تنها باید آن را از بین ببرید. نیازی به عصبانی بودن هم نیست-- نیازی نیست که با آنها با بدجنسی رفتار کنید یا خشمگین شوید. ما نیک‌خواه می‌مانیم و افکار درست می‌فرستیم تا آنهایی را که نباید وجود داشته باشند بزدااییم. این‌گونه باید باشد.

پرسش: ما از کانادا هستیم، دادخواهی ما اکنون دو سال است که به طول انجامیده، و بسیار آهسته درحال پیشرفت است. آیا علتش این است که ما ضعیف عمل کرده‌ایم؟

معلم: شما خیلی خوب عمل کرده‌اید. اغلب می‌گویم که ما در جستجوی به‌دست آوردن هیچ چیز دنیوی نیستیم، درست است؟ وقتی به انجام کارها می‌رسد، من روند را مهم‌ترین چیز در نظر می‌گیرم، زیرا طی روند شما می‌توانید کاری کنید که مردم حقیقت را ببینند، طی روند شما می‌توانید مردم دنیا را نجات دهید، و طی روند می‌توانید حقیقت را فاش کنید. حتی اگر عاقبت آنها را محکوم کنید و به زندان بیندازید، هنوز لازم است ببینید آیا به بهترین تأثیر در نجات مردم دنیا و افشای شیطان دست یافته‌اید، و آیا مردم را قادر کرده‌اید که عواقب عمل شیطانی را ببینند و از این راه موجودات شیطانی را شوکه و وحشت‌زده کرده‌اید. البته، اگر آنها توسط مردم عادی مجرم شناخته شوند آنگاه این به مردم دنیا ثابت می‌کند که ما درست و بر حق هستیم. و البته این عالی است. اگر به این تأثیر دست یابید حتی بهتر است، استاد موافق است. اما شما به جای توضیح کامل واقعیت‌هایی که باید طی آن روند به آنها توضیح دهید، اغلب به نتایج تأکید می‌کنید. فقط وقتی که تمام مردم حقیقتی را که باید، بدانند واقعاً در حال اعتباربخشی به فا و آشکارسازی واقعیت‌ها هستید.

هرجا که مشکلی ظاهر می‌شود، بروید به مردم واقعیت‌ها را بگویید، و نباید فقط برای جلو بردن دادخواهی باشد که این کار را می‌کنید بلکه باید برای گفتن واقعیت‌ها به آن‌ها آن را انجام دهید. و اگر دادخواهی در جایی گره خورده باشد، آنگاه آن باید جایی باشد که نیاز دارد شما واقعیت‌ها را آشکار کنید، و آنگاه شاید دادخواهی به طور طبیعی به پیش برود. اگر طی روند همه حقیقت را دریابند و مردم دنیا نجات پیدا کنند، و حتی آن افراد عواقب مورد استفاده قرار گرفتن و سرشت شیطنی آنها را که از آنها استفاده کردند را درک کرده باشند، و مایل باشند خطای خود را بپذیرند، آنگاه فکر می‌کنم حتی اگر دادخواهی را دیگر بیشتر دنبال نکنیم خوب است -- این طور نیست که ما باید تا حدی آنها را مجازات کنیم. اگر آنها به خطاکاری خود پی ببرند و آن را جبران کنند، و مردم دنیا درباره‌ی آن بدانند، آنگاه به اندازه‌ی کافی خوب است. اما با اینکه این گفته شد، هرچند هدف اصلی‌ای که مریدان دافا دارند نجات دادن مردم دنیا است، وقتی به آن افراد بسیار شیطنی می‌رسد واقعاً نمی‌توانید با آنها کاری نداشته باشید. من در حال صحبت درباره‌ی آن از زاویه‌ی داشتن نیک‌خواهی و نجات موجودات ذی‌شعور بودم. نکته‌ی کلیدی تأکید بر خوب انجام دادن آن چیزی است که باید طی روند انجام دهید، و نتیجه هر چه که شد باشد.

پرسش: من برای مدتی طولانی مورد تداخل کارمای بیماری بوده‌ام، به‌خصوص وقتی که مدیتیشن می‌کنم و افکار درست می‌فرستم -- وقتی در حال تمرکز کردن هستم -- به طور خاصی شدید می‌شود. گاهی اوقات به سختی نفس می‌کشم یا درد دارم.

معلم: در هنگام آموزش فا، استاد نمی‌تواند آن را معطوف به یک شخص خاص کند، و کلمات من تماماً به مورد شما معطوف نخواهد بود. بعضی از شاگردان ما مسلماً وضعیت‌هایی را تجربه کرده‌اند که صحیح نیستند. اما به شما می‌گویم، در اکثر موارد آن می‌تواند حمل بر دو دلیل باشد. یکی مربوط به شاگردان جدید است: روند تزکیه‌ی شما با روند اعتباربخشی‌تان به فا ادغام شده است، و به منظور اینکه

برسید، تزکیه‌ی شخصی شما اعتباربخشی به فای‌تان را همراهی می‌کند، و هر دوی آنها به طور هم‌زمان پیشرفت می‌کنند. دلیل دیگر این است که شما مورد مداخله قرار دارید. وقتی با شما مداخله می‌شود نمی‌توانید همیشه فکر کنید، "من باید هر کسی را که در حال مداخله کردن با من است نابود کنم، هیچ کسی نمی‌تواند با من مداخله کند." (افراد می‌خندند) چرا نمی‌ایستید و درباره‌ی آن فکر نمی‌کنید: چرا کسی در حال مداخله کردن با شما است؟ چرا آن قادر است که با شما مداخله کند؟ آیا به این خاطر است که شما یک وابستگی دارید، یا به این خاطر که شما چیزی دارید که نمی‌توانید ره‌ایش کنید؟ چرا به خودتان نگاه نمی‌کنید؟ دلیل حقیقی نزد خود شما است، و آن تنها دلیلی است که آن می‌تواند از شکاف شما بهره‌برداری کند! آیا استاد را ندارید که از شما مواظبت می‌کند؟ حتی وقتی یک فرد عادی امروز فریاد می‌زند "فالون دافا خوب است"، استاد او را محافظت خواهد کرد، چون او آن کلمات را فریاد زده است نمی‌توانم او را در میان شیطان محافظت نکنم. و چقدر بیشتر این‌طور است که من در حال محافظت کردن از شما تزکیه‌کنندگان هستیم! در برخی موارد مجزا برخی شاگردان واقعاً دچار مرضی ناعلاج شدند. اما درباره‌اش فکر کنید، آن همه افراد که قبل از اینکه فا را یاد بگیرند بیماری‌هایی شدید یا مرض‌هایی ناعلاج داشتند پس از یاد گرفتن دافا سالم شدند، پس چرا این‌طور است که از سوی دیگر، برای برخی شاگردان کارها درست پیش نمی‌روند؟ آیا این‌طور است که دافا میان موجودات ذی‌شعور فرق می‌گذارد؟ آیا این‌طور است که من، استادان، با شاگردان به طور متفاوتی رفتار می‌کنم؟ واقعاً باید از شما بپرسم: آیا حقیقتاً در حال تزکیه هستید؟ آیا حقیقتاً الزامات دافا را دنبال کرده‌اید؟ آیا با ذهنیت بشری موافق نبودن با آزار و شکنجه‌ی فالون‌گونگ در حال آشکارسازی واقعیت‌ها هستید، یا در حال اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور حقیقتاً از نقطه نظر یک مرید دافا هستید؟ بله، نیروهای کهن برای برخی از افراد نظم و ترتیب داده‌اند که وارد شوند، اما چرا این‌طور است که اکثر افراد اکنون می‌توانند چیزها را اداره کنند اما شما نمی‌توانید؟ آیا به شما فا را آموزش نداده‌ام؟!

وقتی مشکلات پیش می‌آیند، وقتی چیزی صحیح به نظر نمی‌رسد، مجبورید به خودتان نگاه کنید! نگاه کنید کجا اشتباه داشتید و به شیطان اجازه دادید که از شکاف‌هایتان بهره‌برداری کند. اگر اشتباه داشتید باید آن را تشخیص داده و بهتر انجام دهید. فراموش نکنید، شما همگی مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-فا هستید! شما آمدید که به فا اعتبار ببخشید! تزکیه سخت است، و درحالی که شما در حال اعتباربخشی به دافا هستید شیطان شیطانی‌تر است. آنهایی که بتوانند با موفقیت از آن بیرون بیایند مطمئناً پادشاهان موجودات ذی‌شعور خواهند بود.

پرسش: طی پنج دقیقه‌ی اول فرستادن افکار درست، آیا می‌توانیم زدودن را با فرمولی که استاد به ما آموزش داد انجام دهیم؟

معلم: وقتی افکار درست می‌فرستید نباید به تکرار کردن فرمول ادامه دهید. تنها نیاز دارید یک بار آن را بخوانید و آن عمل می‌کند، به استثنای شرایط ویژه. اگر احساس می‌کنید که نمی‌توانید آرام شوید و افکار درست خود را دوباره تنظیم می‌کنید، صحیح می‌باشد، اما باز هم تنها برای آن لحظه است. در حقیقت، وقتی بتوانید به طور حقیقی آرام باشید، یک فکر، برای لرزاندن آسمان و زمین بیشتر از حد کفایت خواهد بود، کاری نیست که نتواند انجام دهد، و مثل این است که بلافاصله هر چیزی تحت پوشش حیطه‌ی شما را از حرکت انداخته و مهار می‌کند؛ شما مثل یک کوه هستید، و بی‌درنگ آنها را مهار می‌کنید. نباید همیشه ذهنی متزلزل داشته باشید. وقتی ذهن‌تان متزلزل است نمی‌توانید به آن دست یابید.

پرسش: آیا می‌توانیم متونی چون "وقتی که فا درست باشد" و "تاتاگاتا" را با بعضی برنامه‌های مرتبط تلویزیون FGM درهم آمیخته و آنها را برای افراد عادی بخش کنیم؟

معلم: فکر نمی‌کنم هیچ مشکلی وجود داشته باشد. کتاب‌های من در منظر عموم به فروش می‌روند. نباید هیچ مشکلی باشد. تا آنجا که مربوط به این می‌شود که مشخصاً چگونه آن کارها را انجام داد، چقدر باید آنها را به نمایش درآورید، یا چه

اندازه باید انجام دهید، این‌ها همگی چیزهایی هستند که شما باید اداره کنید. استاد فقط می‌تواند بگوید که مشکلی نیست. اما چند کلمه از استاد را بردارید و آن را به شاگردانی که نظر متفاوتی با شما دارند تحمیل کنید— "استاد آن را گفت، بنابراین باید به چنین و چنان طریق آن را انجام دهیم". نه، نمی‌توانید چنین کاری کنید. از آنجا که شما در حال کار کردن به عنوان بخشی از رسانه هستید، باید درباره‌ی اینکه چگونه مسائل را به خوبی اداره کرد فکر کنید، و همکاری کرده و با هم کار کنید تا کارها را به خوبی تنظیم نمایید.

پرسش: یک روز وقتی در حال توزیع مطالب آشکارسازی حقیقت بودم، مردی در یک گروه سیاحتی از پکن از من خواست که وقتی شما را دیدم از طرف او برای شما درود بفرستم. استاد، همچنین می‌خواهم درود مریدان دافا در ننگان، چانگ‌چون، را به شما برسانم.

معلم: از همگی متشکرم. (تشویق) افراد بیشتر و بیشتری اکنون از حقیقت آگاه هستند، و به همین دلیل است که آن موضوع اتفاق افتاد. قبلاً زمانی که در پکن بودم مردم سراسر پکن درباره‌ی من می‌دانستند— تزکیه می‌کردند یا نه، همگی درباره‌ی یک استاد لی می‌دانستند (//استاد/ می‌خندد). هرچند که آزار و شکنجه شدید بوده است، مردم آگاه هستند. در حین آشکارسازی واقعیت‌ها، شاگردان به مردمی که زیاد درباره‌ی دافا نمی‌دانستند اجازه داده‌اند که از حقیقت آگاه شوند، و هر دوی شاگردان داخل و خارج چین این را به انجام رسانده‌اند. این باعث شده است که مردم واضح‌تر سرشت شیطانی آزار و شکنجه را ببینند، و مردم دنیا را به داشتن حس تحسینی نسبت به دافا و احترام نسبت به مریدان دافا واداشته است. این اجتناب‌ناپذیر است.

پرسش: تعدادی از شاگردان خود را تماماً وقف اصلاح— فا کرده‌اند. آنها از خواب و خوراک خود می‌زنند، و به ندرت تمرین‌ها را انجام می‌دهند. در نتیجه، برخی شاگردانی که خیلی مشغول نیستند هم تمرین‌ها را انجام نمی‌دهند. انجام دادن

تمرین‌ها به نظر نمی‌آید برای آنها خیلی مهم باشد.

معلم: همگی شما که اینجا نشست‌اید، گوش کنید. آیا همگی آن را شنیدید؟ باید سه کاری را که مریدان دافا باید خوب انجام دهند به خوبی انجام دهید. لازم است تمرین‌ها را انجام دهید. تا زمانی که روز کمال نرسیده باشد لازم است تمرین‌ها را انجام دهید، لازم است فا را مطالعه کنید، و لازم است که سه کار مریدان دافا را انجام دهید. قطعاً [به این صورت است].

پرسش: آیا می‌توانیم شعرهای شما را برای کودکان خردسال چاپ و منتشر کنیم؟ و می‌توانیم از طراحی‌های شاگردان به عنوان عکس‌های درون آن استفاده کنیم؟

معلم: دادن آنها به کودکان که بخوانند خوب است. اگر شاگرد، هنرمندی حرفه‌ای است نباید هیچ مشکلی باشد. به هر حال اگر طراحی‌ها توسط افراد عادی انجام می‌شوند، آنگاه مریدان دافا باید نظارت را بر عهده داشته باشند. بله، شما افرادی که اینجا نشست‌اید، من هر یک از شما را "مرید دافا" صدا می‌زنم، اما طوری که [بعضی از] شما عمل کرده‌اید واقعاً شما را شبیه یک مرید دافا نمی‌کند، بنابراین اگر از شما خواسته شود که ناظر باشید واقعاً کار سختی است. (افراد می‌خندند) می‌گویم بگذاریم هنوز انجمن‌های محلی دافا در رابطه با آن چیزها نظارت را بر عهده داشته باشند.

پرسش: در آشکارسازی واقعیت‌ها اغلب احساس می‌کنم که خرد کم است. آیا علتش این است که حالت تزکیه‌ی من به اندازه‌ی کافی خوب نیست؟

معلم: وقتی خرد کم می‌آورید معمولاً به واسطه‌ی این است که مضطرب هستید، در ذهن‌تان دلواپس انجام کاری هستید، اهمیت خیلی زیادی به آن می‌دهید، و به این ترتیب نوع دیگری از وابستگی را رشد می‌دهید. در حقیقت، در رابطه با بسیاری از چیزها اگر شما با آرامش و با ملایمت با مردم صحبت کنید و معقولانه آن چیزها را اداره کنید، درمی‌یابید که خردتان مثل چشمه‌ای جریان می‌یابد، و هر جمله‌تان دقیقاً به هدف می‌خورد، و هر جمله حقیقت را بیان می‌کند. به هر حال به محض

اینکه وابسته یا مضطرب شوید، یا نوعی قصد و نیت قوی داشته باشید، خرد شما رفته است، و دلیلش این است که در آن زمان شما دوباره به طرف بشری‌تان برگشته‌اید، درست است؟ باید بهترین سعی‌تان را بکنید که از افکار درست استفاده کنید و بهترین سعی‌تان را بکنید که در حالت یک تزکیه‌کننده باشید، و نتایج عالی خواهند بود.

در حقیقت، وقتی کارهای دیگری انجام می‌دهید هم همین‌طور است. با افکار درست ذهن‌تان محدود نیست، تفکرتان وسیع و گسترده خواهد بود، و خردتان محصور نخواهد شد.

پرسش: پیشتر ذکر کردید که امسال سالی پرحادثه است. آیا رسانه‌ی ما باید به قدرتش بیفزاید و کمک به آشکارسازی واقعیت‌ها را بهتر انجام دهد؟

معلم: بله، این آزار و شکنجه بنیانش بر دروغ است. هم‌اکنون، در رابطه با آن بیماری واگیردار بزرگ در چین، آنها می‌خواهند با دروغ بر آن سرپوش بگذارند، و مردم دنیا این را دیده‌اند. بنابراین می‌توانید دروغ‌ها را افشا کنید؛ آزار و شکنجه کردن فالون‌گونگ نیز به همان طریق انجام می‌شود.

پرسش: امسال طی کنفرانس فای هنگ‌کنگ در فوریه، بیش از هفتاد شاگرد تایوانی توسط دولت هنگ‌کنگ بازگردانده شدند. شاگردان تایوان و هنگ‌کنگ در حال گذراندن کانال‌های قانونی و دعوی کردن علیه دولت هنگ‌کنگ برای نقض قانون هستند. استاد، چگونه می‌توانیم در این جریان بهتر عمل کنیم؟

معلم: در حقیقت، خود این رخداد هم‌اکنون تکان بزرگی در دنیا ایجاد کرده است. باید گفت که شما عالی انجام داده‌اید. تا آنجا که مربوط به این می‌شود که به طور مشخص چگونه باید آن را انجام دهید، خوب، از آنجایی که شما در دادگاه آنها را مورد دادخواست قرار داده‌اید، پس باید آن را با جدیت تمام انجام دهید. هر جا که مشکلی رخ می‌دهد، همان جایی است که لازم است واقعیت‌ها را آشکار کنید. مهم نیست نتیجه‌ی نهایی چه خواهد بود، از طریق انجام این کار، شما فرصت‌هایی برای

تقابل با افراد بیشتری خواهید داشت و واقعیت‌ها را در مقیاسی وسیع آشکار خواهید کرد. تحت شرایط معمولی چنین فرصتی ندارید- اگر فقط افراد را به کنار بکشید تا واقعیت‌ها را به آنها بگویید ممکن است کمی احساس ناراحتی کنید، درست است؟ حالا که کاری برای انجام دادن دارید، بروید و به مردم بگویید.

نترسید که کنسولگری‌ها یا مأموران مخفی در دسر درست کنند. به محض اینکه چنین کاری انجام دادند باید از فرصت استفاده کنید تا بگذارید افراد بیشتری درباره‌ی حقیقت بدانند. (تسویق شدید) در حقیقت، شما مریدان دافا هستید، پس نگاه کنید، نقشه‌های آنها به نفع شما اجرا می‌شوند! (افراد می‌خندند) وقتی در دسر درست می‌کنند فرصتی دارید تا واقعیت‌ها را آشکار کنید و شیطان را افشا کنید، درست است؟ "به محض اینکه شما موجودات شیطانی نزدیک شوید، شما را می‌گیرم و می‌گذارم تا مردم دنیا بدانند"- آن عالی‌ترین زمان برای افشای آنان است.

پرسش: چگونه می‌توانیم آشکارسازی واقعیت‌های خود را به دولت‌ها و رسانه‌ها در اروپا بهبود بخشیم؟

معلم: در حال حاضر اروپا هم‌اکنون درک کاملاً شفافی از این آزار و شکنجه دارد. فقط این‌طور است که دلیلی وجود دارد [که عقب نشسته‌اند]. آن چیست؟ پس از واقعه‌ی "چهارم جولای" [میدان تیان‌آن‌من] دولت چین با بسیاری از کشورهای غربی توافقی به عمل آورد، اینکه "شما می‌توانید مشکلات حقوق بشر مرا مورد انتقاد قرار دهید، اما این کار را علناً انجام ندهید. ما می‌توانیم در خلوت درباره‌ی آن گفتگو کنیم". آنها با خیلی از کشورها به چنان توافقی رسیدند. بسیاری از کشورهای اروپایی واقعاً با آنها درباره‌ی موضوع فالون گونگ گفتگو کرده‌اند، اما مردم دنیا نمی‌دانند. و بدون فشار از سوی جامعه‌ی جهانی، رژیم پلید برایش مهم نیست. بنابراین در غیاب فشار افکار عمومی، آزار و شکنجه‌ی فالون گونگ حتی لگام‌گسیخته‌تر و خارج از کنترل شده است. بنابراین مردم دنیا شرارت و پلیدی آزار و شکنجه را نمی‌دانند، و دولت‌های برخی کشورها عمداً رسانه‌ها را از گزارش آن بازداشته‌اند. و با این حال گفتگوهایشان پشت درهای بسته به شکست کامل

انجامیده است -- آنها مطلقاً بی‌فایده هستند. آنها فریب رژیم شیطانی را خورده‌اند، و درست در دامش افتاده‌اند. آن پلیدترین دسته‌ی ارادلی است که در سرتاسر تاریخ وجود داشته است، و مطلقاً نمی‌توان به آن اعتماد کرد. فکر می‌کنم که مردم دنیا اکنون باید این را به طور آشکار ببینند، و باید بدانند چه چیزی اتفاق افتاده است. خدایان آنچه را که انسان‌ها انجام می‌دهند همین‌طوری ندیده نخواهند گرفت.

پرسش: چگونه می‌توانیم در این دوره وبسایت *PureInsight* را بهتر کنیم؟
معلم: (می‌خندد) در رابطه با اینکه چگونه باید به طور مشخص کاری را انجام دهید، در حقیقت این مربوط به شما است. وقتی قادر باشید به آنچه که انجام می‌دهید به‌طور صحیح بپردازید خردتان تماماً به نمایش درمی‌آید. آنهایی از شما شاگردان که در کار وبسایت *PureInsight* درگیر هستید نیز در حال پیمودن مسیر خودتان هستید. من در هیچ موضوع بخصوصی درگیر نمی‌شوم، و اینکه به طور مستقیم درباره‌ی مسائل صحبت نمی‌کنم به این خاطر است که برای شما فرصتی برای بنا نهادن تقوای عظیم خودتان در روند اعتباربخشی به فا باقی بگذارم. اگر آن را تماماً به شما می‌گفتم، فرصت‌هایتان را از دست می‌دادید. هر اندازه چیزی مشکل‌تر باشد، تقوای عظیم بیشتری بنا می‌شود. البته، وقتی شما واقعاً مسائلی داشته باشید که نتوانید حل و فصل کنید یا وقتی واقعاً نتوانید به خوبی انجام دهید، آن موقع من چیزی می‌گویم. اما در حال حاضر چنین نیست. قطعاً موفقیت‌هایی بوده‌اند، و باید گفت که شما در حال اداره‌ی آن به‌صورت بهتر و بهتر هستید.

پرسش: ممکن است ما را در این خصوص آگاه کنید که باید چه مقدار تلاش برای موضع وزارت خارجه‌ی ایالات متحده نسبت به آن سردهسته‌ی شیطان در چین صرف کنیم؟

معلم: این‌ها، نیز، در میان کارهایی است که مریدان دافا برای اعتباربخشی به فا انجام می‌دهند. وقتی به این می‌رسد که چگونه کارهایی خاص لازم است انجام شوند، در وضعیت‌های بخصوص به شما خواهم گفت. در حقیقت، دعوی قانونی

علیه آن در دستگاه قضایی ایالات متحده، دیگر چیزی نیست که ایالات متحده را از لحاظ بین‌المللی جدا و مجزا نشان دهد. آیا یک دادخواهی نیز در اروپا رسماً به عمل نیامده است؟ همچنین، آیا در فرانسه علیه رئیس "اداره‌ی ۶۱۰" دعوی قانونی صورت نگرفته است؟ و علاوه، آن دیگر رهبر یک کشور نیست، بنابراین دیگر مصونیت اعطا شده به رهبر یک کشور را ندارد. شاگردان ما خیلی خوب بیان کرده‌اند: رابطه‌ی ایالات متحده با چین معادل رابطه‌اش با آن نیست. فکر می‌کنم که این خیلی خوب بیان شده است.

پرسش: هنگ‌کنگ با مجموعه‌ای از موضوعات روبرو است، از مقاله‌ی ۲۳ گرفته تا بیماری واگیردار. شاگردان پرسش‌هایی دارند. ممکن است لطفاً به ما بگویید که باید چه کار کنیم تا مأموریت تاریخی‌مان به عنوان مریدان دافا را بهتر به انجام برسانیم؟
معلم: (/استاد/ می‌خندد) اگر واقعاً نیاز دارید که درباره‌ی موضوعاتی بخصوص با من گفتگو کنید، پس زمانی را بیابید تا آنها را به تفصیل به من بگویید. بگذارید اینجا درباره‌ی آنها صحبت نکنیم.

پرسش: مریدان دافا در جزیره‌ی چین هوانگ، شانهای‌گوان، دان‌دنگ، نان‌چانگ، و دالیان به استاد درود می‌فرستند.
معلم: از همگی متشکرم. (تشویق)

پرسش: استاد ارجمند، ممکن است لطفاً چند کلمه‌ای بیشتر به مریدان دافا در استرالیا بگویید؟

معلم: از قرار معلوم، پس از اینکه سال قبل با شاگردان استرالیایی گفتگو کردم، تغییرات در استرالیا باید بزرگ می‌بودند، اما فکر نمی‌کنم کافی بوده باشند. قبلاً معمولاً به این روال بود: اینجا در ایالات متحده [شاگردان] خیلی خوب عمل می‌کنند، و کانادا بعدی بود، سپس استرالیا، و سپس اروپا. حالا فکر می‌کنم که در برخی ملاحظات اروپا از استرالیا پیشی گرفته است. اما استاد از شما انتقاد نمی‌کند-- چون از من خواستید چیزی بگویم، (افراد می‌خندند) پس می‌گویم که باید، واقعاً، از

این هم بهتر عمل کنید. مسائل هنوز هم گاه به گاه پیش می‌آیند. هر جا که به دشواری‌ها برمی‌خورید نمی‌توانید از آنها دوری کرده و آنها را دور بزنید. هر جا که مسأله‌ای هست، همان جایی است که احتیاج است بروید چیزها را حل و فصل کنید و جایی که نیاز است بروید واقعیت‌ها را آشکار کنید. باید این را به خاطر داشته باشید! یک بار که مسأله‌ای در جایی پیش می‌آید، آنجا جایی است که نیاز است بروید واقعیت‌ها را آشکار سازید. از آن دوری نکنید، مهم نیست که چقدر شیطانی پدیدار می‌شود.

پرسش: به نظر می‌رسد که شکاف کاملاً بزرگی بین درک‌های شاگردان نواحی مختلف از فا در سطوح مختلف وجود دارد.

معلم: ممکن است به آن صورت باشد. از آنجایی که محیط و تعداد شاگردان متفاوت است، ممکن است که این تأثیر خاصی در به اشتراک‌گذاری تجربه‌ها و مطالعه فای شاگردان داشته باشد. فقط می‌توانم آن را به این صورت بیان کنم. اما فکر می‌کنم که تا زمانی که با جدیت کتاب را می‌خوانید و با جدیت آن را یاد می‌گیرید، وقتی چیزی را درک نکنید بدن‌های قانون استاد به شما راهنمایی‌هایی می‌رسانند و شما را متوجه می‌کنند. اما یک چیز وجود دارد: زمانی که فا را مطالعه می‌کنید، آن را درحالی که به برخی وابستگی‌ها چسبیده‌اید انجام ندهید. مجبورید ذهن‌تان را آرام کنید و به طور حقیقی در حال مطالعه‌ی فا باشید. با نوعی قصد در ذهن مطالعه نکنید. وقتی فا را مطالعه می‌کنید، نمی‌توانید بگذارید ذهن‌تان سرگردان شود یا در حین مطالعه‌ی فا درباره‌ی چیزهای دیگر فکر کند. نمی‌توانید چنین کاری کنید، وگرنه هیچ چیز یاد نمی‌گیرید. وقتی فا را مطالعه می‌کنید تنها فا را مطالعه کنید. هیچ مداخله‌ای نباید بتواند مطالعه فای‌تان را تحت تأثیر قرار دهد.

پرسش: موجودات شیطانی به شاگردان سرزمین چین که زندانی شده‌اند یا در اردوگاه‌های کار اجباری نگهداری می‌شوند اجازه نمی‌دهند فا را مطالعه کنند یا تمرین‌ها را انجام دهند. به بیان دیگر، آنها شرایط تزکیه کردن را ندارند. آنها چگونه

می‌توانند به کمال نائل شوند؟

معلم: اغلب شاگردانی شبیه این را می‌بینم: "نمی‌گذارید تمرین‌ها را انجام دهم، اما من در انجام آنها پابرجا می‌مانم. نمی‌گذارید مطالعه کنم، اما من در مطالعه کردن پابرجا می‌مانم. صرفاً به شما موجودات شیطانی گوش نمی‌کنم. تمام کاری که می‌توانید انجام دهید این است که مرا با مرگ تهدید کنید، درست است؟" البته، استاد این را اینجا به شما، که تزکیه‌کننده‌اید، گفته است. اما با این حال هم، استاد نمی‌خواهد آن را بگوید، زیرا اگر افراد عادی آن را بشنوند نمی‌توانند آن را بفهمند. چیزی که در حال گفتن آن به شما هستم این است که وقتی به طور حقیقی قادرید فکر مرگ یا زندگی را رها کنید می‌توانید هر کاری انجام دهید! (تسویق)

در چشم خدایان همین نیز در مورد نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن صدق می‌کند. اگر با یک دست انسان بودن را نگه دارید و رها نکنید، و با دست دیگر بودا بودن را نگه دارید و رها نکنید، دقیقاً کدام یک را می‌خواهید؟ وقتی به طور حقیقی بتوانید رها کنید وضعیت قطعاً متفاوت خواهد بود. شاگردان مناطقی که به شدت شکنجه شده‌اند، یا شاگردان مکان‌هایی که به طور جدی صدمه دیده‌اند، باید واقعاً درباره‌ی این بیندیشند؛ واقعاً چه چیزی در حال اتفاق افتادن است؟ برخی شاگردان گفته‌اند که آزار و شکنجه خیلی زیاد طول کشیده است و حتی آنهایی که قبلاً به خوبی انجام می‌دادند حالا عقب افتاده‌اند. فکر نمی‌کنم این حقیقت داشته باشد. طلای حقیقی خود را بیشتر و بیشتر آشکار کرده است، آیا بدین صورت نیست؟ اگر به طور حقیقی قادر باشید که فکر مرگ را رها کنید، و اصلاً هیچ وابستگی نداشته باشید، آیا مسئله‌ی عقب افتادن هنوز هم وجود خواهد داشت؟ آیا مسئله‌ی اصلاح کردن شما هنوز هم وجود خواهد داشت؟ و آیا مسئله‌ی مجبور کردن شما به انجام چنین و چنان کار هنوز وجود خواهد داشت؟ اگر تمامی صدها یا تمامی هزار نفری که در یک اردوگاه کار اجباری نگهداری می‌شوند بتوانند آن را انجام دهند، ببینید آیا اردوگاه کار اجباری هنوز جرأت می‌کند شما را نگه دارد! اگرچه این چیزی است که ما می‌گوییم، گفتنش آسان به نظر می‌رسد درحالی که در آن محیط آسان نیست.

این دلیل آن است که چرا استاد نمی‌خواهد به هنگام آموزش فا در اینجا درباره‌ی چیزهای آنجا صحبت کند. آنجا سخت است. اما مهم نیست چگونه سخت باشد، آیا درباره‌ی این فکر کرده‌اید که آینده‌تان چه خواهد بود؟ آیا به این امر که مقام دستیابی آینده‌تان نیاز است با تقوای عظیم باشکوه بنیان گذاشته شود فکر کرده‌اید؟ آیا درباره‌ی این امر که آنچه خواهید گرفت ثمره‌ی حقیقی یک خدا یا بودا که به فا اعتبار بخشیده است می‌باشد فکر کرده‌اید؟ آیا به خاطر این حقیقتاً و کاملاً انسان بودن را رها کرده‌اید؟ آیا به طور حقیقی مثل الماس، تکان‌نخوردنی و سخت و محکم هستید و بدون وابستگی و کوتاهی؟! وقتی مسائل حقیقتاً این‌طور باشند، آن وقت باید نگاه دیگری بیندازید و ببینید که محیط به چه شکل است.

مقاله‌ای منتشر شده بر روی وبسایت مینگ‌هوئی، شرح شاگردی را بیان می‌کند که هر جا که می‌رفت واقیبت‌های مربوط به دافا را به مردم می‌گفت و فریاد می‌زد "دافا خوب است". "مهم نیست کجا مرا ببرند، هر چیزی را که پلیس‌های شرور بگویند نادیده می‌گیرم، و مهم نیست که چطور وحشیانه مرا بزنند یا چقدر وحشتناک به من ناسزا بگویند، من همین طوری که هستم باقی می‌مانم". اردوگاه کار اجباری آنقدر ترسیده بود که با عجله او را برگرداندند-- "او را نمی‌خواهیم". برای این است که آنها پی بردند، "ما نمی‌توانیم او را تبدیل کنیم، و علاوه بر این شمار زیادی از افراد را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد". (افرادی می‌خندند) و انعام و پاداشی هم نمی‌توانستند بگیرند. (تسویق) هیچ راهی نداشتند که آن را اداره کنند -- پلیس محلی کجا می‌توانست او را بگذارد؟ آنها هیچ راهی برای اداره کردن آن نداشتند، بنابراین او را به خانه فرستادند.

شبهه رفتار بشری به نظر می‌رسد، اما در واقع این‌طور نیست. برای این بود که او از طریق تزکیه به آن نقطه رسید و به طور حقیقی به آن قلمرو رسید -- "حالا که مرا بازداشت کرده‌اید، اصلاً به برگشتن فکر نکرده‌ام. حالا که به اینجا آمده‌ام، آمده‌ام به فا اعتبار بخشیم". پس شیطان ترسیده بود. همچنین، حالا تعداد موجودات شیطانی کاملاً کم است. هر چه بیشتر هم که آنها را از بین می‌بریم تعدادشان کمتر می‌شود.

پرسش: *میردانی که فا را پس از "۲۰ جولای" [۱۹۹۹] کسب کرده‌اند چگونه باید رشد کردن به صورت یک بدن را در کنار تزکیه‌ی خودشان اداره کنند؟*

معلم: در تزکیه صرفاً بر طبق ملزومات جوآن فالون تزکیه کنید و امور خوب خواهند بود. صرفاً به طور عادی تزکیه کنید. فقط این طور است که محنت‌هایی که با آنها مواجه می‌شوید ممکن است با اعتباربخشی به فای کنونی ادغام شود، چراکه مریدان دافا همه در حال اعتباربخشی به فا هستند. بنابراین در روند اعتباربخشی به فا پدیده‌ی از بین بردن کارما روی خواهد داد، و آن محنت‌ها روی خواهند داد. به بیان دیگر، آن عده از شما که فا را پس از بیستم جولای کسب کردید باید بهترین سعی‌تان را بکنید که خوب عمل کنید. در حقیقت، شما بیشتر از دیگران صرف نکرده‌اید، زیرا میردانی که فا را قبل از بیستم جولای گرفتند پیش از این آنچه را که باید، انجام داده‌اند و پیش از این از میان آن روند عبور کرده‌اند. این تزکیه است، بنابراین از دشواری‌ها وحشت‌زده نشوید. مهم نیست چه چیزی، مهم نیست چقدر سخت باشد، شما قطعاً قادر هستید که مسیری را که استاد به شما داده است با موفقیت طی کنید. (تشیوق) تا زمانی که شین‌شینگ‌تان را بالا ببرید می‌توانید از آن با موفقیت بیرون بیایید.

پرسش: *برخی مریدان گفتند که زمانی که ما کنار کنسولگری‌های چین تمرین‌ها را انجام می‌دهیم، طرف خدایی‌مان به طور طبیعی شیطان را از بین می‌برد. آیا این درک صحیح است؟*

معلم: اصولاً درست است. آن صحیح است، و خوب می‌باشد. وقتی یک مرید دافا آنجا می‌نشیند آیا جنبه‌ی تزکیه‌شده و خدایی نیز آنجا ننشسته است؟ خوب است. اما هر چه هم که انجام دهید، نمی‌توانید به آن مقدار کم وابسته باشید و با آن راضی و خرسند باشید (/استاد/ می‌خندد).

پرسش: *حتی هنوز هم خوب اداره کردن و ایجاد تعادل بین داشتن نیک‌خواهی برای همه‌ی موجودات و حفاظت از وقار و بزرگی دافا برایم سخت است. استاد، ممکن*

است مرا در این مورد راهنمایی و یاری کنید؟

معلم: نیت شما برای محافظت کردن از وقار دافا صحیح است، اما چگونه از آن محافظت می‌کنید؟ آیا دهان‌شان را می‌بندید؟ با آنها جر و بحث می‌کنید؟ به شما می‌گویم، صرفاً با همه‌ی موجودات با نیک‌خواهی رفتار کنید، و فقط واقعیت‌ها را با نیک‌خواهی برای مردم آشکار کنید، و شما در حال محافظت از وقار دافا هستید، و قادرید که از وقار دافا محافظت کنید. (تشویق پرشور)

وقار دافا نمی‌تواند با روش‌های افراد عادی محافظت شود. آن توسط هر مرید دافای ما که نیک‌خواهی و مهربانی حقیقی را به نمایش بگذارد موجب می‌شود. آن ساختگی نیست، ساخته‌ی رفتار بشری یا روش‌های بشری نیست. برآمده از نیک‌خواهی است و در نجات موجودات ذی‌شعور و در تزکیه‌تان متجلی می‌شود. وقتی مجموعاً به خوبی تزکیه کنید، مردم دنیا خواهند گفت که دافا خوب است و همگی دافا را گرامی خواهند داشت. قبلاً این را به اشخاص مسئول‌مان گفتم: در دافا اشخاص مسئول به روش‌هایی که افراد عادی برای اداره‌ی کارها به کار می‌برند تکیه نمی‌کنند. مسائل به قلب شما نسبت به دافا و حس مسئولیت‌تان نسبت به تزکیه بستگی دارد. شما با خوب تزکیه کردن خود به آن دست یافتید، و مردم شما را تحسین کرده و گرامی خواهند داشت. اگر وقتی اشتباه می‌کنید آن را نپذیرید، و طوری رفتار کنید که انگار اشتباه نکرده‌اید تا کاری کنید که مردم فکر کنند شما اشتباه نکرده‌اید، پس هیچ‌کسی به شما احترام نمی‌گذارد، چون این روش یک فرد عادی است. همین نیز در مورد اینکه مردم دنیا چگونه به دافای ما نگاه می‌کنند صدق می‌کند. اگر کسی بگوید که آن خوب نیست و شما با او با روش‌های افراد عادی جر و بحث کنید، یا سعی کنید که او را ساکت کنید یا مانند آن، این کار اختلاف را بیشتر می‌کند. ما باید صرفاً خود را به خوبی اداره کنیم و هر چیزی را با نیک‌خواهی اداره کنیم. نیازی ندارید که با آنها مشاجره یا جر و بحث کنید. مردم بخشی دارند که آگاه است، و آنها در سطح و ظاهر بشری نیز تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. به طور طبیعی خواهند گفت شما خوب هستید. اما احساسات این

شاگرد قابل درک است - هرگاه کسی به دافا آسیب می‌رساند این او را به هم می‌ریزد. پس هرگاه کسی به دافا آسیب رسانده است باید بروید با او صحبت کنید. افرادی خواهند بود که نمی‌توانند نجات داده شوند. نیازی نیست نگران افرادی که دیگر نمی‌توانند نجات یابند باشید، نیازی نیست که با هیچ‌کسی سرسختانه بحث کنید، نیازی هم نیست که سعی کنید آنها را ساکت کنید، چراکه برای رسیدگی به کسانی که واقعاً غیرقابل نجات هستند راه‌هایی وجود دارد. بیماری واگرداری که در چین در حال پیشرفت است در حال رسیدگی به آن افراد است. آنهایی که غیرقابل نجات دادن هستند دور ریخته خواهند شد. این من نیستم که این کار را می‌کند - نیروهای کهن هستند که مردم را دور می‌ریزند. و البته، خدایان راستینی نیز هستند که افراد شیطانی را دور می‌ریزند. وقتی به چیزی به این مهمی می‌رسد، البته، اگر من موافق آن نبودم نیروهای کهن جرأت نمی‌کردند آن را انجام دهند.

پرسش: درحال حاضر در آشکارسازی واقعیت‌ها، از مسائلی که در بین مردم عادی اتفاق افتاده‌اند، برای مثال اخبار مربوط به بیماری واگردار، به عنوان بخشی از مضامینی که برای روشن‌گری حقیقت استفاده می‌کنیم گردآوری می‌کنیم، و آنها را در مقادیر زیاد در دسترس چینی‌ها می‌گذاریم که به آنها یادآوری کنیم.

معلم: یادآوری کردن به آنها صحیح است. وقتی از طریق رسانه‌ها به طور علنی در مورد چیزهای خاصی صحبت می‌کنید افراد عادی نمی‌توانند آن را بفهمند. پس می‌توانید درحالی که واقعیت‌ها را آشکار می‌کنید درباره‌ی آنها صحبت کنید، و می‌توانید به مردم یادآوری کنید، مشکلی در این خصوص وجود ندارد. در این جامعه‌ی پرداخته‌ی علم، عده‌ی بسیاری از افراد به خدایان باور ندارند، بخصوص از آنجایی که علوم پزشکی امروزی بخشی از علم نوین هستند، بنابراین وقتی درباره‌ی آن چیزها صحبت می‌کنید ممکن است قادر به درک آن نباشند، و به خاطر آن، شیطان حتی از فرصت برای درست کردن دروغ‌هایی استفاده خواهد کرد. بنابراین نیازی نیست که در منظر عموم درباره‌ی آن چیزها صحبت کنید. می‌توانید در هنگام آشکارسازی واقعیت‌ها، موضوعات را به مردم اشاره کنید.

پرسش: شما گفته‌اید که اکنون ما در حال انتخاب برگزیده‌ترین تزکیه‌کنندگان آینده هستیم. پرسشم این است که، پی برده‌ام عده‌ای از دوستان اطرافم که دافا را حمایت می‌کنند متوجه شده‌اند وقتی کارهای خوب خاصی برای دافا انجام می‌دهند به دشواری‌هایی برمی‌خورند. آیا آن به دلیل وابستگی‌های ما است؟ این را می‌پرسم چون هم‌تزکیه‌کنندگانم گفته‌اند که "وقتی در دسر وجود دارد، باید علتش این باشد که تو مسئله‌ای داری". این مرا آشفته کرده است. یا اینکه آن نتیجه‌ی آزار و شکنجه‌ی نیروهای کهن است؟

معلم: سخت است که کسی در حال حاضر وارد دافا شود مگر اینکه بی‌نهایت ثابت قدم باشد. برای مثال، بعضی افراد تمرین‌ها را یاد گرفته‌اند، و اگر بخواهید که آنها بلافاصله مرید دافا شوند و پس از این که داخل شدند هدایت‌شان کنید که برخی کارهای اعتباربخشی به فا را انجام دهند، آنگاه نیروهای کهن مداخله خواهند کرد. و نیروهای کهن بهانه‌ی محکمی دارند، یعنی، "زمان کافی وجود ندارد، و آرزویی که او نشان داده به آن قوی‌ای نیست". آنها در حال گفتن این هستند که آرزوی او برای یک مرید دافا شدن به آن اندازه قوی نیست. این دلیل آن است که چرا داخل شدن سخت است. اگر از آنها بخواهید که مثل یک مرید دافا کار دافا انجام دهند نیروهای کهن مداخله خواهند کرد. وضعیت این است. اما در بعضی موارد کاملاً به این صورت نیست -- چنان پدیده‌ای نیز وجود دارد. همچنین، برخی افراد عادی می‌خواهند که دافا را حمایت کنند، و از صمیم قلب‌شان می‌خواهند که کارهایی برای دافا انجام دهند. با آن افراد مداخله نمی‌شود. بنابراین چیزی که در حال گفتنش هستیم این است که، بین مریدان دافا و تزکیه‌کنندگان آینده خطی کشیده شده است.

پرسش: در "سفر به شمال آمریکا برای آموزش فا" ذکر شد که حتی آخرین موجود هم دیگر پاک و خالص نیست. آن به چه اشاره می‌کند؟

معلم: بله، حتی آخرین موجود هم دیگر خالص نیست. درست است. اما این کیهان به طور باورنکردنی‌ای عظیم است، و زبان بشری در توصیف آن ناتوان است. وقتی

درباره‌ی آخرین موجود صحبت کردم آن فقط یک توصیف تمثیلی بود. اگر واقعاً می‌توانستم با زبان بشری به آن آخرین موجود اشاره کنم مستقیماً در حال توهین کردن به او می‌بودم. می‌دانید، وقتی به سطح خاصی می‌رسد آنچه "آخرین" است تغییر می‌کند -- معنی‌اش تغییر می‌کند. بعضی شاگردان از من پرسیدند که آیا در آسمان‌ها "یک به اضافه‌ی یک برابر است با دو" درست است. روش تفکر بشری و منطق بشری در آسمان‌ها وجود ندارد. معنی آن سرانجام تغییر می‌کند و دیگر به آن شکل نیست. کیهان چقدر بزرگ است؟ بدن کیهانی چقدر بزرگ است؟ و بدن بسیار عظیم‌الجثه‌ی نهایی چقدر بزرگ می‌باشد؟ اگر تمام آن چیزها فاسد شده‌اند، پس دلیلش باید مربوط به او باشد. حتی تا گستره‌ای که هم‌اکنون صحبت کردم، اگرچه افکارم به او رسیدند، به نظر رسید زبان بشری هنوز هم به او نرسید، بنابراین او کاملاً بی‌اعتنا و بی‌تفاوت بود -- حتی با اینکه تماماً آگاه است و انمود می‌کند که آگاه نیست. او دارد فکر می‌کند، "کلمات تو اصلاً به من نرسیدند." و این بدین خاطر است که مفاهیم گنجانده شده در زبان بشری محدود هستند.

برای مثال، دائئوئیست‌ها درباره‌ی هیچی صحبت می‌کنند. بر طبق تئوری مدرسه‌ی دائو، آنها اعتقاد دارند که "نبودن" (ووجی)، "نهایت محض" (تای‌جی) را تولید می‌کند، نهایت محض "دو قطب" (لیانگ‌یی) را تولید می‌کند، دو قطب، "چهار وضع" (سی‌شیانگ) را تولید می‌کند، و چهار وضع، "هشت سه‌نگاره" (باگوا) را تولید می‌کند. آنها فکر می‌کنند که، وقتی به "نبودن" می‌رسد این بالاترین است، که این در حالتی از بی‌شکلی و درهم و برهمی (هون‌دون) است، و اینکه در حالت بی‌شکلی و درهم و برهمی، چیزی وجود ندارد. اما دائئوئیست‌هایی با درکی بالاتر گفتند که، [در نقطه‌ی خاصی] حتی بی‌شکلی و درهم و برهمی نیز وجود ندارد، که آن تهی است، که / این بالاترین است، و اینکه چیزی وجود ندارد. درباره‌اش فکر کنید، این کلمات به نظر می‌رسد که به انتها رسیده‌اند، درست است؟ اما نرسیده‌اند. و چرا نرسیده‌اند؟ وقتی چیزی وجود ندارد چگونه می‌توانید از آن صحبت کنید؟ پس چطور آن را "چیزی نیست"، "تهی بودن"، یا "هیچی" بنامیم؟ (افراد می‌خندند) آیا

جریان این نیست؟ بنابراین، وقتی چیزی نیست، اگر به سمت جهان ریزتر، به سمت جهان بی‌انتهای ریز، آن را بیشتر دنبال کنید، خواهید دید که دوباره چیزی آنجاست. اما شکل‌های هستی آن موجودات کاملاً با هستی عناصر ماده در بدن‌های کیهانی پایین‌تر فرق دارد، و حقایق آنها نیز متفاوت هستند، و مثل این است که آنها تماماً با یکدیگر تفاوت دارند. اما آنجا دوباره چیزی وجود دارد. با این وجود، در نقطه‌ی خاصی دوباره چیزی وجود نخواهد داشت، و در نقطه‌ی خاصی، همان‌طور که آن را بیشتر دنبال می‌کنید در خواهید یافت که آنجا دوباره چیزی وجود دارد و اینکه آن حتی میکروسکوپی‌تر است. بنابراین اگر از زبان بشری برای توصیف یا فهم آن استفاده کنید نمی‌توانید آن را بفهمید. وقتی به محدوده خاص و بزرگ‌تری می‌رسد، تفاوت‌ها حتی بزرگ‌تر هستند، و آن حتی از یک ماده‌ی متفاوت هم در مجموع پافراتر می‌گذارد. پس آن حالت را چه می‌خوانید؟ آن واقعاً نمی‌تواند با زبان بشری وصف شود. وقتی آخرین موجود دیگر خالص نیست معنی‌اش این است که دیگر هیچ چیز به اندازه‌ی کافی خوب نیست، و به همین دلیل است که اصلاح-فا باید انجام شود.

پرسش: ما کنسرتی را در نظر داریم که مربوط به متوقف کردن آزار و شکنجه است، و نوازنده‌های غیر تمرین‌کننده در آن مشارکت دارند. استاد، نظر شما درباره‌ی اینکه افراد عادی در این نوع کنسرت شرکت داشته باشند چیست؟

معلم: من مخالفتی ندارم. اگر افراد عادی می‌خواهند بیایند و بگویند که فالون دافا خوب است، شما نمی‌توانید جلوی این کار آنها را بگیرید. این مسئله‌ای نیست. اما اگر بیایند تا برخی چیزهای افراد عادی را به نمایش بگذارند، آن وقت لازم است کمی مراقب باشید: آیا در کنسرتی که توسط مریدان دافا برگزار می‌شود چیزهای خاصی می‌توانند به‌طور مشترک با ما از همان صحنه‌ی سالن استفاده کنند؟ البته، در رابطه با موسیقی کلاسیک مشکل زیادی وجود ندارد. اما در رابطه با موسیقی‌های مدرن‌تر گفتن آن سخت است.

پرسش: استاد ارجمنده، ممکن است لطفاً درباره‌ی این صحبت کنید که با مطالب

[آشکارسازی حقیقت مربوط به] دافا که افراد عادی آنها را دور می‌اندازند باید چه کار کنیم؟ از این جهت که آنها کلمات و نمادهای مقدسی در بردارند.

معلم: در حقیقت، در هر چیزی که انجام می‌دهید نیت و قصدتان باید نجات دادن موجودات ذی‌شعور باشد. به عنوان مثال، در رابطه با مطالب آشکارسازی حقیقت، وقتی فلایر پخش می‌کنید باید این امکان را که مردم ممکن است آنها را دور بیندازند در نظر بگیرید. وقتی به این می‌رسد، شما برای آنها ارزش قائل‌اید، چراکه مریدان دافا هستند، اما از افراد عادی عصبانی نشوید. باید هنوز هم با آنها با نیک‌خواهی رفتار کنید. اگر فردی فلایر را دور بیندازد فقط می‌توانیم بگوییم که فرصت را از دست داد. اما وقتی آن شخص واقعاً خوب نیست و غیر قابل نجات است، خدایان آنچه را که او انجام داد یک گناه در نظر خواهند گرفت. استاد این را گفته است: من تمامی گناهانی را که موجودات ذی‌شعور در سراسر تاریخ مرتکب شده‌اند نادیده می‌گیرم؛ فقط به طرز برخورد آن موجود نسبت به دافا طی اصلاح-فا نگاه می‌کنم. با تمام موجودات در تمام سطوح به این صورت رفتار می‌کنم. اما زمانی که موجودی واقعاً مریدان دافا را شکنجه کرده باشد یا واقعاً با دافا بد بوده باشد، بدهی‌های جدید و بدهی‌های قدیمی‌اش همگی در جهنم به هم اضافه می‌شوند. و علت آن این است که موجوداتی که نتوانند نجات یابند، نمی‌توانند برای گناهانی که قبلاً بدهکار بودند نپردازند، و بنابراین برای آنها بدهی‌های جدید و بدهی‌های قدیمی همه به هم اضافه می‌شوند. مریدان دافا جن، شن، رن را تزکیه می‌کنند، بنابراین آنها برای تمام موجودات نیک‌خواهی دارند. نمی‌توانید فقط برای آنهایی که مطالب را می‌خوانند نیک‌خواهی داشته باشید، و برای آنهایی که نمی‌خوانند نیک‌خواهی نداشته باشید-- نمی‌توانید چنین کاری کنید (خنده). در نجات مردم، باید صبور باشید، و این نیک‌خواهی مریدان دافا است.

پرشش: ممکن است لطفاً به ما بگویید که در اصلاح-فا عامل‌هایی در کیهان که از آخرین موجود نیروهای کهن فراتر می‌روند در چه حالتی هستند؟ آیا آنها قبل از اصلاح-فای کیهان به نجات خودشان فکر نکردند، یا دلایل دیگری وجود دارد؟

معلم: [رویکرد] عامل نهایی نیروهای کهن به خود اصلاح- فا شیطانی است، خودخواه است، و محنت و سختی ای عظیم برای کیهان است که برای خود اصلاح- فا کار گذاشته شد. خدایان نیروهای کهن که همه جا هستند برای آنچه که در بعدهای بخصوص مختلف خواهان آن هستند نظم و ترتیب‌های بخصوص خودشان را دارند. بنابراین آنها در هر سطح موفقیت اصلاح- فا را نظم و ترتیب دادند. اما از منظر تقوای عظیم فا، نیروهای کهن سطوح بالاتر در حال از بین بردن نیروهای کهن سطح پایین بعدی هستند، چون آنها می‌دانند که هر کسی در اصلاح- فا شرکت کند مجبور خواهد بود از بین برود-- هر چه باشد این قانون بزرگ کیهان است، بنابراین هیچ موجودی در هیچ سطحی ارزش اثرگذاری بر آن را ندارد. دلیل اینکه می‌گویم نیروهای کهن نهایی شیطانی هستند این است که وقتی اصلاح- فا به سمت پایان پیش می‌رود مشخص می‌شود که آنها چیزی جز یک محنت عظیم کار گذاشته شده برای اصلاح- فا نیستند، و چیزی بیشتر از این نیستند.

قبل از آنکه اصلاح- فای کیهان آغاز شود آنها طرح و نقشه‌های خودشان را داشتند، که در خدمت به خود بود. پی برده‌ام یک‌بار که شروع به صحبت درباره‌ی چیزهای خاصی می‌کنم بحث واقعاً پیچیده می‌شود و زمان زیادی خواهد گرفت. اگر همه‌ی پرسش‌های شما را به تفصیل جواب می‌دادم می‌توانست روزها طول بکشد، زیرا وقتی به روندی که شامل می‌شود می‌رسد، سطح هر چه بالاتر باشد، فای که آموزش می‌دهم بیشتر از حقایق پایین فراتر می‌رود، و بنابراین اگر درباره‌ی روند مابین آن صحبت نکنم فهم آن سخت می‌شود. با وجود اینکه تماماً دربرگیرنده و تماماً هماهنگ‌کننده است... می‌دانید، فالون‌های کوچک وجود دارند، فالون‌های بزرگ، و فالون‌های بزرگ‌تر، و مثل کیهان، فالون‌ها تماماً دربرگیرنده و تماماً هماهنگ‌کننده هستند، اما در بدن‌های کیهانی بزرگ‌تر نیز فالون‌هایی وجود دارد، و در بدن‌های کیهانی بزرگ‌تر و بزرگ‌تر هنوز وجود دارند، و در بدن‌های کیهانی بزرگ‌تر و بزرگ‌تر و بزرگ‌تر هنوز هم وجود دارند. هر اندازه یک بدن کیهانی بزرگ باشد، فالون‌هایی به آن اندازه بزرگ وجود دارند. وقتی به بدن‌های

کیهانی سطح بالاتر می‌رسد حقایق بزرگ‌تری آنجا وجود دارند. اما روی هم‌رفته حقایق در افلاک عظیم‌الجثه متصل هستند، تماماً دربرگیرنده، و تماماً هماهنگ‌کننده، و بنابراین همان‌طور که از سطح به سطح تغییرات رخ می‌دهند حقایق فا در بدن‌های کیهانی به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌کنند.

پرسش: آیا در تایوان می‌توانیم علیه آن سردسته‌ی شیطان در چین دعوی قانونی کنیم؟ (افراد می‌خندند)

معلم: وقتی که آن شما را شکنجه کرده است، می‌توانید علیه آن دعوی قانونی کنید-- دلیلی نیست که این کار را نکرد. (تشویق) تا وقتی دادگاه، مورد را می‌پذیرد می‌توانید علیه آن دعوی قانونی کنید.

پرسش: من جوآن فالون را به طور مکرر از ابتدا تا انتها خوانده‌ام، اما هنوز نمی‌توانم معانی درونی‌ای را که به اصلاح- فا ارتباط دارند دریافت کنم. آیا دلیلش این است که درک و فهم من خیلی ضعیف است؟

معلم: اگر می‌خواهید کلماتی در جوآن فالون ببینید که چیزهای اصلاح- فا را که امروز به شما می‌گویم انجام دهید مورد بحث قرار می‌دهند، هرگز آنها را نخواهید دید. به عنوان یک مرید دافای در حال تزکیه، یک مرید دافای دوره‌ی اصلاح- فا، وقتی به این می‌رسد که چه کار باید کنید، شما می‌توانید آن را از جوآن فالون متوجه بشوید و می‌توانید آن را از حقایق فا بفهمید. نه تنها تا این حد می‌توانید مسائل را متوجه شوید، که به طور مشخص چه کاری انجام دهید و چگونه می‌توانید به خوبی عمل کنید، بلکه همان‌طور که ادامه می‌دهید کتاب را بیشتر بخوانید قادر خواهید بود مسائل مرحله‌ی بعدی را حتی ببینید-- هنوز می‌تواند آن مسائل را به شما اشاره کند. و به اینجا ختم نمی‌شود: حتی در قدم پایانی نیز می‌تواند چیزها را به شما برساند. مهم نیست به چه سطح بالایی تزکیه می‌کنید، همه چیز در آنجا است. آنچه که یک مرید دافا باید انجام دهد همه در آنجا است. اما اگر در ظاهر به دنبال کلمات بگردید نمی‌توانید آنها را پیدا کنید.

پرسش: استاد، آنچه که شما امروز گفتید درباره‌ی "ناائل شدن به یک بدن بشری جاودان، یک بودا" می‌باشد، درست است؟ درود به شما، استاد، با یک هشی.

معلم: از همگی متشکرم. برای فایه‌ی که آموزش می‌دهم معنی و تعریفی ارائه ندهید. به شما نگفتم که در حال آموزش کدام سطح از فا بودم. دلیلش این است که وقتی فا را آموزش می‌دهم بدن‌هایم در تمامی سطوح، تمام مسیر تا بی‌نهایت، همگی در حال آموزش دادن هستند، بنابراین به کدام سطح می‌توانید بگویید که تعلق دارد؟ مهم نیست فایه‌ی را که آموزش دادم در کدام سطح فهمیدید، این فقط چیزی است که شما در آن سطح فهمیدید. اما به آن محدود نمی‌شود. به عنوان مثال، تناظر با بدن‌های بشری که هم‌اکنون درباره‌ی آن صحبت کردم، به هیچ وجه درباره‌ی بودا شدن نیست— درباره‌ی این است که چگونه تمام سیستم کیهانی، سیستم بدن کیهانی، و سیستم افلاک عظیم‌الجثه یکپارچه و هماهنگ هستند. و این، این مشکل را که خدایان در کیهان کهن در گذشته توسط شکل‌های حیات‌ها محدود و مقید بودند برطرف کرد. این موضوع خیلی بزرگی است. بنابراین وقتی چیزی می‌بینید، نگویید، "اوه، یعنی این!" یا وقتی چیزی را متوجه می‌شوید، نگویید، "اوه، یعنی این!" این‌طور نیست، آن صرفاً چیزی است که شما بر اساس جایی که اکنون هستید متوجه شده‌اید.

پرسش: ما هم‌تذکیه‌کنندگان را تشویق می‌کنیم که بیرون بیایند و در موقعیت‌های مختلف تجربه‌هایشان را با هم در میان بگذارند. اما برخی از هم‌تذکیه‌کنندگان فکر می‌کنند اگر به طور متناوب بیرون بیایند برای مطالعه‌ی فا وقت نخواهند داشت و اینکه می‌توانند از خانه‌شان به همان صورت واقعیت‌ها را آشکار کنند، و در آنجا می‌توانند حتی بهتر و بیشتر انجام دهند.

معلم: اگر یک مرید دافا بتواند به طور حقیقی به حالتی که از مریدان اصلاح-فای امروز خواسته می‌شود دست یابد، پس به پیش بروید و این کار را بکنید. اما اگر نمی‌توانید آن را انجام دهید، پس بهانه درست کردن است. البته، [رویدادهایی] مثل این کنفرانس تبادل تجربه‌ای که در حال برگزاری آن هستید در واقع هنوز ضروری

هستند. اما نمی‌خواهم آنها خیلی مکرر برگزار شوند چراکه شاگردان ما مدام از محل به محل دیگر جابجا می‌شدند، و این با کارهای دیگر اعتباربخشی به فا مداخله می‌کرد. با اینکه این را گفتم، برگزار کردن کنفرانس‌های تبادل تجربه هنوز هم ضروری است. تنها مورد این است که آنها را زیاد پی در پی برگزار نکنید. همچنین، تا جایی که به بعضی فعالیت‌های معین گروهی اعتباربخشی به فا مربوط است، باید آنها را انجام دهید، با یکدیگر همکاری کنید، و با یکدیگر هماهنگی کنید. ممکن است بگویید که در خانه دارید کارها را کاملاً خوب انجام می‌دهید، اما کارهای خاصی مستلزم همکاری و تلاش همه است، و [اگر در خانه بمانید] قادر نمی‌بودید برای انجام آنها کمک کنید.

پرسش: گاهی اوقات چیزهای خاصی را می‌بینم که قرار است اتفاق بیفتد، شامل مصیبت‌ها در دنیای بشری. آیا صحیح است که آنها را بنویسم تا مردم دنیا را شوکه کنم؟ یا اینکه آنچه که من دیدم نظم و ترتیب‌های کیهان کهن است؟

معلم: به خاطر نجات موجودات ذی‌شعور می‌توانید مدبرانه و با خرد این کار را انجام دهید. اما مردم دنیا را شوکه نکنید. شما باید موجودات ذی‌شعور را نجات دهید. آنچه شاگردان می‌بینند دو حالت دارد. یکی این است: بدنی که هم‌اکنون به شما در موردش گفتم، بدن شما که در محدوده‌ی سیستم بدنی خودتان است-- و مخصوصاً، بخش‌هایی از مریدان دافایمان که به طور کامل تزکیه شده‌اند-- هر اندازه بدن‌تان بزرگ‌تر باشد، موجودات بیشتری در کیهان را پوشش می‌دهد و با تعداد بیشتری تناظر دارد. آنگاه چیزهایی که درون آن رخ می‌دهند در واقع چیزهایی هستند که در قسمتی از کیهان رخ می‌دهند. آنچه که بسیاری از شاگردان ما دیده‌اند در حقیقت چیزهایی هستند که درون بدن خودشان رخ داد، اما آنها همچنین چیزهایی هستند که در کیهان رخ دادند. دلیلش این است که در رابطه با مریدان دافای ما، اگر هر شخص به خوبی تزکیه کند، آنگاه، با تناظر داشتن هر شخص با یک بدن کیهانی، شما کل کیهان را پوشش خواهید داد. به همین دلیل است که فرستادن افکار درست شما این اندازه مهم است. پس، به این ترتیب، آنچه که شما

می‌بینید در واقع فقط حالتی است که شما طی تزکیه‌تان در آن هستید، و فقط چیزی است که در این حین که خود را تزکیه می‌کنید متجلی می‌شود، و همه‌اش همین است. البته آن، به شکل‌های گوناگون، به طور متناظر به جایی که هستید بازتاب خواهد شد تا ببینید. گاهی اوقات تشخیص اینکه چه چیزی از درون است و چه چیزی از بیرون، آسان نیست.

البته، برخی شاگردان نیز هستند که چیزهای خاصی را دیده‌اند که به طور کلی در سه قلمرو اتفاق خواهند افتاد. اما اخیراً این موارد نادر بوده‌اند، زیرا این تاریخ دوباره نظم و ترتیب داده شده است. برای مثال، بسیاری از پیشگویی‌ها-- بدون توجه به اینکه درخصوص مرحله‌ی بعدی دقیق باشند یا خیر-- می‌توانند شیطان را شوکه و وحشت‌زده کنند، به مردم دنیا اشاره‌هایی برسانند، به مردم دنیا هشدار داده و آنها را بیدار کنند. بنابراین آنها می‌توانند تأثیرات مثبت معینی داشته باشند. به هر حال، مریدان دافا نمی‌توانند کارها را بر طبق نوعی پیشگویی انجام دهند. شما باید کارها را بر طبق قانون بزرگ انجام دهید! باید کارها را بر طبق آنچه که مریدان دافا باید انجام دهند انجام دهید! و نباید کارها را با پیروی از چیزی دیگر انجام دهید. آیا بسیاری از پیشگویی‌هایی که به هنگام آشکارسازی واقعیت‌ها استفاده کردید چیزهایی نبودند که گردآوری کردید که مردم عادی ببینند؟ این کار را کردید تا بگذارید افراد عادی از درس‌های گذشته در تاریخ یاد بگیرند-- حتی مردمان قدیم هم درباره‌ی این چیزها صحبت کردند-- یعنی، برای هشدار دادن به مردم دنیا. آنها برای این نیستند که مریدان دافا در تزکیه‌ی خودشان از آنها به عنوان مرجع استفاده کنند! اگر مریدان دافا با شکنجه‌ی امروز مواجه نشده بودند نمی‌گذاشتم آن پیشگویی‌ها را آشکار کنید. متوجه مطلب هستید، درست است؟ مریدان دافا تنها باید کارها را بر طبق قانون بزرگ انجام دهند. شما در حال ساختن تاریخ هستید، شما در حال ساختن آینده هستید، و هر چیز نظم و ترتیب داده شده توسط هر فرد دیگری به حساب نمی‌آید. هر چیزی که هر فردی دیده است از گذشته بوده و هم‌اکنون تغییر کرده است. حتی اگر تعداد کمی از رویدادها مشابه دریايند، آنها فقط مطابق

نیاز ترتیبات کلی نظم و ترتیب داده شدند، همین و بس.

پرسش: ما مریدانی هستیم که فا را بعد از ۲۰ جولای [۱۹۹۹] کسب کردیم، و اخیراً سانه‌ی راندگی جدی‌ای برای‌مان پیش آمد، اما هیچ اتفاقی برای ما نیفتاد و سالم ماندیم. افراد عادی گفتند که باید معجزه شده باشد. می‌خواهیم که از استاد برای اینکه زندگی‌ای دوباره به ما بخشید تشکر کنیم. وقتی چیزی شبیه این در دوره‌ی اصلاح- فا اتفاق می‌افتد، آیا علتش این است که ما شکاف‌هایی داریم و به شیطان اجازه می‌دهیم که از ما سوءاستفاده کند، یا اینکه به عواملی از بازپرداخت به موجودات زنده مربوط می‌شد؟

معلم: فکر می‌کنم دو علت وجود داشته باشد. یکی این که، آیا برای این است که برخی شاگردان خود را به خوبی اداره نکرده‌اند؟ علت دیگر این است که، آیا برای این است که آنها شاگردانی جدید هستند؟ البته، شاگردان جدید محنت‌هایی دارند، اما آن وضعیت نسبتاً نادر است، و حتی اگر محنت‌هایی داشته باشند معمولاً هیچ مسئله‌ی بزرگی وجود ندارد. مهم نیست چه باشد، آنها را موضوع مهمی در نظر نگیرید. اهمیتی ندارد که چیز بدی اتفاق افتاده باشد، آخر آخرش این است که: برای یک تزکیه‌کننده باید عناصر اجتناب‌ناپذیری درگیر باشند.

پرسش: چندین مرید در حال زجر کشیدن از دشواری‌های بزرگ کارمای بیماری بوده‌اند، و اکنون مدتی طولانی است که این‌گونه می‌باشد. آیا صحیح است که ما به صورت گروهی افکار درست بفرستیم و به آنها کمک کنیم؟

معلم: البته این صحیح است. دفعه‌ی قبل درباره‌ی این مسئله صحبت کردم. اما بعضی شاگردان باید به درون نگاه کنند و درباره‌ی اینکه واقعاً چقدر خوب عمل کرده‌اند فکر کنند. به عنوان یک موجود باشکوه طی دوره‌ی اصلاح- فا، واقعاً چقدر خوب عمل کرده‌اید؟ هر زمان که مشکلی پیش می‌آید نگوئید، "چگونه این چیز می‌تواند برای یک مرید دافا اتفاق بیفتد؟"

مدت درازی است که برخی شاگردان صرفاً از وابستگی‌های بنیادی‌شان خلاص

نشده‌اند! و همان‌طور که چیزها روی هم انبار شده‌اند، در پایان قادر نیستند بر آنها غلبه کنند و سختی‌هایشان بزرگ می‌شود. وقتی مشکلات روی می‌دهند، به جای اینکه دنبال مشکل در شین‌شینگ‌شان بگردند، به‌طور بنیادی خودشان را رشد دهند، یا به‌طور حقیقی موضوع را رها کرده و توسط مسیری دیگر به شکلی باز و باوقار بیرون بیایند، به آن مسئله‌ی حاضر متمرکز می‌شوند— "عجب... چرا این‌طور است که هنوز هم نمی‌توانم بر این چیز غلبه کنم؟ من امروز بهتر انجام داده‌ام، پس باید کمی بهبود پیدا کرده باشم. فردا از این هم بهتر عمل می‌کنم و باید قدری بیشتر بهبود پیدا کند." هرگز نمی‌تواند آن چیز را رها کند. در ظاهر به نظر می‌رسد که درحال رها کردن آن است— "نگاه کن، حالا دارم به خوبی انجام می‌دهم." حالا دارید به خوبی انجام می‌دهید اما به خاطر آن حالا دارید به خوبی انجام می‌دهید. به قصد انجام دادن آنچه که یک مرید دافای حقیقی باید انجام دهد این کار را نمی‌کنید!

مطمئناً بخشی از شاگردان وجود دارند که واقعاً باید خوب به خودشان نگاه بیندازند [و درباره‌ی اینکه] چگونه عمل کرده‌اند [فکر کنند]. واقعاً چقدر خوب عمل کرده‌اید؟ آیا واقعاً مثل شاگردان سرزمین چین از آن با موفقیت بیرون آمده‌اید که حتی در چنان محیط شیطانی‌ای در حال اعتباربخشی به فاهستند و درحالی که زندگی‌شان در خطر است حتی قادرند که زندگی خود را زمین بگذارند؟ اگر واقعاً در آن وضعیت قرار داده می‌شدید، قادر می‌بودید آن را اداره کنید؟ البته، این را نمی‌گویم که هر یک از شما مجبور است متحمل آن روند شود. اما آیا چیزی که هم‌اکنون با آن روبرو هستید همان نیست؟ آیا می‌توانید به‌طور حقیقی از آن با موفقیت بیرون بیایید؟ همان‌طور که قبلاً گفته‌ام شاگردان ما به سه دسته‌ی متفاوت تعلق دارند، بنابراین مثل هم نیستند، و در طول تزکیه‌شان مطمئناً متفاوت عمل خواهند کرد. فکر نکنید که افراد دیگر اصلاً درگیری ندارند و دارند در اصلاح— فاهیلی خوب انجام می‌دهند. فرق می‌کند. وضعیت بنیادی فرق می‌کند، و هیچ مرجع یا مقایسه‌کردنی وجود ندارد. همان‌طور که پیش از این گفته‌ام، در تزکیه هیچ مرجعی

وجود ندارد و الگویی نیست که از آن پیروی کرد. "کسی چنین و چنان کاری کرده، پس من هم صرفاً از او یاد می‌گیرم و همین کار را می‌کنم". فرق می‌کند. وضعیت‌ی که شما دارید برای او پیش نخواهد آمد.

حقیقت این است که برای شاگردان زیادی مدت بسیار طولانی‌ای شده است، و به ویژه پس از گذر از میان ۲۰ جولای ۱۹۹۹، باید واقعاً در سطحی بنیادی به بسیاری از چیزها خوب نگاه بیندازید. باید آرام شوید و به طور حقیقی مسائل را مورد تفکر قرار دهید. فکر نکنید که "حالا که من یک مرید دافا هستم هیچ چیز بدی نباید برای من اتفاق بیفتد. اگر هر چیزی اتفاق بیفتد صحیح نیست". و فکر نکنید که باید از میان هر چیزی که افراد دیگر عبور می‌کنند بگذرید. وضعیت هر فرد متفاوت است. نکته‌ی کلیدی این است که خود شما واقعاً چقدر خوب انجام می‌دهید. آنچه تمام روز در ذهن‌تان به آن وابسته‌اید همگی چیزهای افراد عادی هستند، حتی سر تا پا مست احساسات هستید، و با وجود این وقتی محنت‌ها می‌آیند می‌گویید، "من مرید دافایی هستم که برای مدتی طولانی از محنت‌ها رنج می‌کشم". (افراد می‌خندند) (آه)... گاهی اوقات نمی‌خواهم کلمات خیلی تند باشند، اما اگر خیلی نرم باشند نمی‌خواهید که روی آن فکر کنید و از آن روشن و آگاه شوید. نزدیک پایان است. خودتان باید اکنون بیندیشید. زمان منتظر کسی نمی‌ماند!

وقتی روز کمال واقعاً سر برسد، بگذارید به شما بگویم، مریدان دافا واقعاً در پهنای روشن روز صعود خواهند کرد، و کل دنیا قادر خواهد بود که آن را ببیند. (تشویق) آنهایی که قادر نباشند به کمال برسند، وقتی آن روز بیاید تمام کاری که می‌توانید انجام دهید این است که آنجا بنشینید و اشک بریزید! برای آن افرادی که خوب تزکیه نکرده‌اند، می‌گویم که دیگر برای گریه کردن خیلی دیر خواهد بود.

پرسش: *اخیراً مورد(هایی) در اطراف ما بوده که یک مرد و یک زن با هم رابطه‌ای داشتند...*

معلم: فکر می‌کنم همین الان درباره‌ی آن صحبت کردم، پیش از این درباره‌ی این موضوع صحبت کرده‌ام. چیزهایی که افراد معینی انجام داده‌اند آنها را حتی برای

عنوان "شاگرد دافا" نالایق می‌کند! آنها حتی لایق این نیستند که "موجودات انسانی" نامیده شوند، و با این حال هنوز هم خود را "میردان دافا" می‌نامند؟! من منتظر شما هستم -- آیا متوجه این نیستید!؟

گاهی اوقات وقتی کارهایی را که شما انجام می‌دهید می‌بینم واقعاً مرا غمگین می‌کند. با این حال اگر از شما واقعاً دست می‌کشیدم، این نیز واقعاً مرا رنج می‌داد. واقعاً نمی‌خواهم شما را به آن شکل ترک کنم. اما شما تلاش نمی‌کنید که رشد کنید! شما با شایستگی عمل نمی‌کنید! و حتی خوش‌نامی دافا را لکه‌دار می‌کنید و کارهایی انجام می‌دهید که حتی لیاقت نام "انسان" را ندارد، با این حال هنوز خودتان را یک مرید دافا می‌خوانید! بگذارید آن را اینگونه بیان کنم، آنچه که کمی پیش گفتم برای تمام آنهایی است که کارهایی انجام داده‌اند که شایسته‌ی مقام میردان دافا نیست. بهتر است که آشکارا درباره‌ی آن مسائل به مردم بگویید. به این شکل، بسیاری از چیزهای شما از بین خواهند رفت، و درعین حال شما را وادار خواهد کرد که واقعاً عزم خود را [برای اصلاح رفتارتان] جزم کنید. به شما می‌گویم که اکنون وقت برای شما واقعاً محدود است. برای تمام شمایی که آن کارهای بد را انجام داده‌اید -- و مقصودم آنهایی که پیش از این خود را اصلاح کرده‌اند نیست، درباره‌ی آنهایی صحبت می‌کنم که هنوز در حال انجام کارهای بد هستند، و آنهایی که در حال آماده کردن اطلاعات برای دار و دسته‌ی ارادل کمونیست شیطنانی چین هستند -- لحظه‌ای که حقیقتاً از شما دست بکشم لحظه‌ای است که به جهنم می‌افتید! واقعاً سعی نمی‌کنم صرفاً شما را بترسانم. به خاطر این که هنوز به پایان نرسیده است این هنوز برای تمام موجودات یک فرصت است. استاد بارها و بارها منتظر شما مانده است!

پرسش: به هنگام آموزش فرستادن افکار درست به شاگردان جدید طی کلاس سخنرانی نه‌روزه آیا چیزی هست که لازم باشد به آن توجه ویژه‌ای داشته باشیم؟
معلم: در حقیقت، مجبور نیستید به شاگردان جدید بگویید که افکار درست بفرستند (//استاد/ می‌خندد)، زیرا در آن زمان توانایی‌های آنها هنوز به آن بزرگی نیستند.

علت این است که هر چه باشد آنها تازه شروع به یادگیری فا کرده‌اند، و نیاز دارند که روندی را ببینند. خیلی مشتاق این نباشید که کاری کنید افکار درست بفرستند.

پرسش: درک من این است که ترکیه‌ی فردی یک مرید دافا به طور مستقیم به بدن کیهانی‌ای که به او متصل است مرتبط می‌باشد. وقتی فا/افلاک عظیم‌الجثه را اصلاح می‌کند، آیا ترکیه‌کنندگان آینده برای بدن کیهانی‌ای که با آنها تناظر دارد مسئول خواهند بود، یا اینکه [بدن‌های کیهانی] پیش از آن توسط فا اصلاح شده‌اند؟
معلم: طی جریان تزکیه‌تان، بدن کیهانی‌ای که با بدن شما متناظر است، مهم نیست چقدر بزرگ باشد، هنگامی که در تزکیه‌تان به موفقیت دست می‌یابید اصلاح می‌شود، و مطمئناً این طور است. اما اگر شما به خوبی تزکیه نکنید نمی‌توانند اصلاح شوند. البته، عامل دیگری هم در این مسأله نقش دارد، یعنی، اصلاح- فا -- وقتی نیروی عظیم اصلاح- فای من وارد شود، آنهایی که خوب هستند نگه‌داشته شده و به آنهایی که بد هستند رسیدگی می‌شود. بنابراین زمان قبل از وارد شدن اصلاح- فا بهترین فرصت برای شماست که موجودات ذی‌شعور را نجات دهید. وقتی آن زمان فرا رسد منتظر هیچ کسی نخواهد شد. به محض اینکه نیروی عظیم اصلاح- فا وارد شود، امور هر طور که باید باشند می‌شوند.

پرسش: تمامی شاگردان در اسرائیل به استاد گرامی درود می‌فرستند!
معلم: متشکرم! (تشویق)

پرسش: استاد گرامی، لطفاً ارتباط میان موسی، اسرائیل، و اصلاح- فا را به ما بگویید.

معلم: موسی به اصلاح- فا ارتباطی ندارد. اما مطلبی را به شما می‌گویم، و شما نباید آن را سرسری به افراد عادی بگویید، چراکه درک آن برای افراد عادی سخت خواهد بود. حقیقت این است که موسی در واقع خدایی بود که در حال نجات دادن معتقدان یهودیت بود. پس از آنکه یهودیان مصر را ترک کردند خدایی که از آنها

سرپرستی کرد در حقیقت موسی بود. آنها یهوه را صدا می‌زدند، اما در حقیقت یهوه مردم را نجات نداد چراکه یهوه خدایی بالاتر است؛ خدایی که مردم را نجات داد موسی بود. موسی، مسیح، و مریم مقدس همگی در تراز خدایانی هستند که موجودات انسانی را نجات می‌دهند. بنابراین موسی کسی بود که حقیقتاً معتقدات یهود را سرپرستی کرد. این‌ها چیزهایی هستند که مردم زیاد درباره‌ی آنها نمی‌دانند. چیزی که می‌گویم وضعیت واقعی است. نژاد یهود نیز توسط خدایان خلق شد، و بنابراین آنها هم گروهی هستند که ما باید سعی کنیم در اصلاح- فا نجات دهیم. به این موضوع که رسیده‌ایم، بگذارید به شما چند چیز بگویم که از شنیدن آنها خوش‌تان می‌آید. (همه می‌خندند) (تسویق)

هم‌اکنون درباره‌ی ملت اسرائیل صحبت کردم. کتاب مقدس می‌گوید که یهوه اسرائیلیان را خلق کرد. در حقیقت، این جهان کوچک ما، جهان کوچکی که همیشه به آن اشاره کرده‌ام، این جهان کوچک چه نامیده می‌شود؟ این پِن گو از افسانه‌های چین است که آسمان و زمین را خلق کرد. او چینی نیست، و موجودی انسانی از هیچ نژادی روی زمین نیست. او خدایی در آسمان‌ها است، او یک جهان است. "آفرینش آسمان و زمین" پِن گو، طی روندی که جهان کوچک دوره‌ی آخر نابود شد و جهان کوچک دوباره خلق شد به وقوع پیوست. بدن او روند چرخه‌ی "شکل‌گیری- سکون- فساد- انهدام" این جهان کوچک است، اما وجود او نه. آیا قبلاً درباره‌ی سه‌گانگی خدایان صحبت نکرده‌ام؟ او یک بدن خدایی دارد و یک روح حقیقی دارد. روح حقیقی‌اش آن نیست، اما بدن او جهان کوچکی است که درباره‌ی آن صحبت می‌کنم. در افسانه‌های تاریخ، مردم دنیا درباره‌ی این صحبت می‌کنند که چگونه او به این طریق پا به عرصه‌ی وجود گذاشت؛ از حالت بی‌شکلی و درهم و برهمی به تدریج یک شکل تشکیل شد، و سپس او شکل گرفت؛ او آسمان را از زمین جدا کرد، و سپس بلند شد و آسمان را برافراشت. این بیشتر و بیشتر بشری کردن او توسط مردم و چسباندن احساسات بشری بیشتر به او در افسانه‌ها است. آنچه مردم دوست دارند واقعیت را تحریف کرده است.

می‌دانید، بدن بشری یک جهان کوچک است و لایه لایه موجود ذی‌شعور دارد. وقتی جهانِ پِن گو در ابتدا شکل داده شد، درست مثل یک جنین انسان در رحم مادر، جهان کوچک فقط ذره‌ای در بدن کیهانی غول‌پیکرتر بود. بدن کیهانی تمام عناصری که می‌توانند زندگی را شکل دهند دارد. وقتی جهان کوچک دوره‌ی قبل در چرخه‌ی شکل‌گیری - سکون - فساد - انهدام پایان یافت، بدن کیهانی از قبل برای شکل‌گیری یک جهان کوچک جدید آماده می‌شد. در حالت بی‌شکلی و درهم و برهمی، پس از انفجار جهان کوچک دوره‌ی قبل، این جهان کوچک جدید به تدریج شکل داده شد، و روح حقیقی پِن گو وارد آن شد. در روند شکل‌گیری، لایه لایه‌ی مواد درون آن، لایه لایه‌ی آسمان‌ها و زمین‌ها را شکل داد، و هم‌زمان چیزهای بی‌شمار در میان لایه لایه‌ی آسمان‌ها و زمین‌ها را شکل داد، شامل خدایانی درست مثل روح حقیقی پِن گو و لایه لایه‌ی موجودات ذی‌شعور. جهان کوچک سپس شکل گرفت. بدن بشری این‌طور شکل می‌گیرد که ذرات کوچک ذرات بزرگ، و ذرات بزرگ ذرات حتی بزرگ‌تر را شکل می‌دهند، و بدن او هم همین‌طور است -- ذرات کوچک ذرات بزرگ را شکل می‌دهند، و ذرات بزرگ ذرات حتی بزرگ‌تر را شکل می‌دهند. درست شبیه چیزی است که مردم می‌دانند، که مولکول‌ها توسط اتم‌ها شکل می‌گیرند، و به‌طور طبیعی، مولکول‌ها سپس می‌توانند سیارات را شکل دهند، سیارات، راه شیری و سیستم‌های سیاره‌ای مختلف را شکل می‌دهند، و سیستم‌های سیاره‌ای مختلف می‌توانند جهان‌های حتی بزرگ‌تری از بدن کیهانی را شکل دهند. ساختار آن به این نحو است. موجودات بشری، یا دانشمندان امروزی، ذره‌ها را دیده‌اند، اما ارتباط میان ذره‌ها را ندیده‌اند. تمام ذرات به صورت زیستی با هم پیوند دارند. بنابراین پس از اینکه پِن گو شکل گرفت، درست مثل تمام موجودات ذی‌شعور در کیهان، او نیز مجبور بود از میان روند شکل‌گیری - سکون - فساد - انهدام عبور کند. آنچه مردم در افسانه‌ها توصیف کردند روند "شکل‌گیری" او بود. در حقیقت، حالا او هم‌اکنون به روند پایانی رسیده است، روند "فساد - انهدام"، یا به بیان دیگر، روند پیر شدن و ضعیف شدنش. امروز دوره‌ی

زمانی‌ای است که او پس از پیر شدن و ضعیف شدن فاسد شده است، و او هم‌اکنون در مرحله‌ی پایانی است... استفاده از زبان بشری برای صحبت درباره‌ی خدایان خوشایند گوش نیست. این تنها برای گفتن این است که حالا دوره‌ی زمانی‌ای است که چیزها خوب نیستند، و به همین خاطر است که اصلاح- فاطمی این زمان شروع شد.

لحظه‌ای که او شکل گرفت، سطوح مختلف از ذرات در کیهان پدید آمدند، و طی روند شکل‌گیری او آن ذرات، موجودات را شکل می‌دادند. زمین ما قسمتی از بدن او است، قسمتی از سلول‌ها در بدن او. سیاراتی که درست مثل زمین ما بر روی آنها موجودات زنده هستند همه جای این جهان کوچک پراکنده هستند، فقط آنها موجودات زنده‌ای مثل انسان‌های امروزی ندارند. و علتش این است که آن حیات‌ها موجوداتی در رویه‌ای‌ترین سطح کیهان هستند، آنها موجوداتی در پایین‌ترین سطح هستند، و به شکل خدایان نیستند. در ابتدا بخش سه قلمرو وجود نداشت. دلیل اینکه سه قلمرویی وجود دارد این است که دافا قرار بود در سطح رویه‌ای جهان کوچک آموزش داده شود، و به این دلیل، این محدوده به عنوان یک قلمروی منحصر به فرد برای سه سطح بزرگ حیات‌ها انتخاب شد، بنابراین سیستم خودش را شکل داد. پن گو یک خدا است، و آنچه که درون بدن پن گو است جهان کوچک است. بنابراین، داخل تمام بدن‌های کیهانی سراسر جهان کوچک، سطوح مختلفی از خدایان و موجودات ذی‌شعور درون سه قلمرو وجود دارند، اما فقط موجودات در بعدهای رویه‌ای ظاهرهایی پست، زشت، عجیب، و پلید دارند. پس در آن زمان سه قلمرو به خاطر ضرورت اصلاح- فاطمی خلق شد. درون محدوده‌ی سه قلمرو منظمه‌ی شمسی و زمین ساخته شد. البته، طول عمر زمین نمی‌تواند با عمر جهان مقایسه شود. در این موقعیت زمین سیارات مختلفی وجود داشتند. موجودات روی زمین‌های پیشین همگی ظاهر موجودات فضایی را داشتند، و محیط طبیعی آنها به شدت خشن بود. دلایل این است که داشتن موجوداتی در بدترین مکان که به شکل خدایان باشند مجاز نبود. موجودات بشری شکل خدایان را دارند، بنابراین آنها‌یی که روی

زمین‌های پیشین بودند همگی ظاهر زشت موجودات فضایی را داشتند. برای اینکه چیزهای اصلاح- فا اینجا اتفاق بیفتند و برای تمام موجودات ذی‌شعور در سراسر کیهان ممکن سازد که نجات پیدا کنند-- حتی موجودات ذی‌شعور در رویه‌ای‌ترین سطح-- سه قلمرو و موجودات بشری اینجا خلق شدند. چرا به جای اینکه موجوداتی شبیه موجودات فضایی به فا گوش کنند، موجودات بشری خلق شدند؟ دلیل این است که اگر آن نوع موجودات به فای کیهان گوش می‌کردند و مریدان من می‌شدند، درست مثل توهین کردن به کیهان و همه‌ی خدایان می‌بود. بنابراین بعد از اینکه زمین جدید خلق شد بخشی از خدایان آسمان‌ها آمدند، و آنها موجودات بشری را بر روی زمین به شکل خودشان خلق کردند.

در چین باستان گفته می‌شد که نو و موجودات بشری را خلق کرد. خدایان از توانایی‌های خدایی خود برای انجام دادن کارها استفاده می‌کنند، و احتیاجی ندارند که برای انجام کارها از دست‌هایشان استفاده کنند. و ساختار بدن بشری پیچیده است، چیزی نیست که بتوانید با دست‌هایتان فرم دهید-- نمی‌تواند با روش‌های ناشیانه‌ی موجودات بشری انجام شود-- بنابراین خدایان آن را با قدرت فای خود انجام می‌دهند. گونگ خدایان از عالم میکروسکوپی تا رویه‌ای‌ترین سطح، حاضر است، بنابراین وقتی یک خدا آن کار را انجام می‌دهد، بلافاصله همان موقع انجام می‌شود، همان لحظه عملی می‌شود. و او کارها را در زمان انسان‌ها انجام نمی‌دهد، او فراتر از زمان در بعد بشری می‌رود، بنابراین وقتی با زمان بشری در اینجا به آن نگاه می‌کنید، او آفرینش خود را در همان آن تمام کرده است.

در آن زمان چندین گونه از خدایان به پایین فرستاده شدند. یکی یهوه بود که یهودیان درباره‌ی او صحبت می‌کنند. یهوه مردم نژاد یهود را خلق کرد. این گونه از مردم شامل بخشی از مردم در اروپای جنوبی نیز می‌شود؛ آنها به این نژاد تعلق دارند. قسمتی از سفیدپوستان در اروپای شمالی توسط خدایان دیگر خلق شدند. چهار گونه از خدایان سفیدپوست چهار گونه از سفیدپوستان را خلق کردند. در حقیقت، اعراب نیز سفیدپوست بودند، و اعراب در ناحیه‌ی شمالی زمین زندگی

می‌کردند، اما من به صفحات قاره‌ای پیشین، که نه هزار سال پیش تغییر کردند اشاره می‌کنم، نه به صفحات قاره‌ای کنونی. آنها مردمی هستند که در ناحیه‌ی شمالی قدیم زندگی می‌کردند، و جابجایی توده‌های زمین بود که آنها را به موقعیت فعلی‌شان حرکت داد. در تاریخ اخیر، قبل از اینکه چنگیزخان منطقه‌ی عربی را به تصرف درآورد، اعراب دقیقاً همان رنگ پوست سفیدپوستان را داشتند و شبیه اروپاییان امروزی بودند، فقط اینکه موهای مشکی و چشم‌های مشکی داشتند. پس از اینکه سپاه عظیم چنگیزخان رسید، خون بومی‌ها مخلوط شد، بنابراین رنگ پوست آنها شبیه رنگ پوست چینی‌ها است، و نشانه‌هایی از چهره‌های چینی و همچنین چهره‌های اروپایی نشان می‌دهند. در اصل آنها توسط یک خدای مجزا خلق شدند.

نژاد هندی توسط بودایان خلق شد، و به همین دلیل است که رقص هندیان، طوری که خودشان را حرکت می‌دهند، و حالت‌های دست‌شان مشابه حالت بوداها است. هندی‌ها واقعاً نژادی خلق شده توسط بوداها هستند. تا آنجا که مربوط به شرقی‌ها می‌شود، قسمتی از آنها توسط نو و خلق شدند، درحالی که قسمتی دیگر توسط دائوها خلق شدند. در حقیقت، برای اینکه دقیق‌تر بیان کرده باشیم، نخستین نژاد در روزهای آغازین آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی نژاد زرد بود. اکنون مردم نژاد سرخ نامیده می‌شوند، اما در واقع از نژاد زرد هستند— آفتاب آنها را برنزه کرد. (همه می‌خندند) مردم نژاد سرخ حقیقی مصریان باستان بودند. شاید حالا پیدا کردن آنها ممکن نباشد، زیرا اکثر آنها خون‌شان را با سیاهان مخلوط کرده‌اند.

سیاهان، به همین طریق، توسط خدایان سیاهان در آسمان‌ها خلق شدند، و نه فقط توسط یک خدا. بنابراین شکل مردم سیاه تفاوت‌هایی با هم دارد. در میان خدایان در آسمان‌ها، برخی لباس می‌پوشند درحالی که برخی خود را با تکه‌هایی از پارچه می‌پوشانند. دائوها لباس می‌پوشند. خدایان زیادی در آسمان‌ها خود را با تکه‌ی بزرگی از پارچه می‌پوشانند. بیشتر بوداها خود را با تکه‌ای از پارچه‌ی زرد می‌پوشانند، درحالی که اکثر خدایان سفیدپوست خود را با تکه‌ی بزرگی از پارچه‌ی سفید

می‌پوشانند؛ به چینی، طول آن یک *جانگ*^۱ است، و به دور بدن پیچیده می‌شود. می‌توانیم این را در نقاشی‌ها و تندیس‌های کهن ببینیم. در گذشته، اروپایی‌ها به طور مشابه تکه‌ای از پارچه‌ی سفید دور خود می‌پیچیدند. و خدایان مردم سیاه تکه‌ای از پارچه‌ی قرمز به دور بدن‌شان می‌پیچند. در رابطه با خدایان، مهم نیست پوست‌شان چه رنگی باشد، همگی آنها با عظمت به نظر می‌آیند. به منظور ارائه‌ی فا در اینجا، شکل موجودات بشری لازم بود خلق شود، و خدایان موجودات بشری را به هر شکلی که خودشان بودند خلق کردند. به همین دلیل است که گفته شده خدا انسان را به شکل خودش خلق کرد، و این حقیقت دارد. موجودات بشری امروزی این‌گونه به وجود آمدند.

در تاریخ گذشته، پیش از اینکه من ارائه‌ی دافا را آغاز کنم، هر دوی بدن و روح موجودات بشری‌ای که خدایان در آن زمان خلق کردند در سه قلمرو شکل داده شد. به شما درباره‌ی روند توسعه‌ی نژاد بشری گفته‌ام، روند تدریجاً توسعه دادن و غنی کردن موجودات بشری. وقتی به دوره‌ی زمان اخیر رسید، انسان‌ها از پیش‌قادر بودند که کاملاً منطقی باشند، و روش تفکرشان منسجم بود. و وقتی به این مرحله رسید ارائه‌ی دافا در شرف رخ دادن بود. بنابراین، خدایان زیادی از آسمان‌ها آمدند و به صورت انسان بازپیدا شدند. پس در مورد روح انسان‌ها باید چه کاری صورت می‌گرفت؟ پوسته‌ی سطحی انسان که توسط خدایان خلق شده بود، بعد از بازپیدایی موجوداتی از بالا، به تصرف درآمد، درحالی‌که روح انسان‌های پیشین در عالم اسفل باقی گذاشته شد. انسان‌ها از میان بازپیدایی می‌گذرند، بنابراین آن پوسته‌ها همراه آنان نمی‌رود و در زمان خاصی پس گرفته می‌شود. وقتی شخصی در پایان زندگی‌اش می‌میرد این پوسته برداشته می‌شود. پوسته‌ای که می‌بینیم داخل یک گور به خاک سپرده شده است، آن پوسته‌ی تجزیه‌شده، قسمتی است که بعد از تولد از غذایی که شخص می‌خورد رشد کرد. اما از سوی دیگر، پوسته‌ی پیش از تولد است که پوسته‌ی واقعی می‌باشد، و این قسمت پیش‌ازتولد، باید برداشته شود. بنابراین هر کسی که در شرف بازپیدایی است آن را خواهد پوشید (همه می‌خندند)، درست مثل

لباس پوشیدن است، و مردم این‌گونه از میان بازپیدایی گذر می‌کردند. وقتی زمان ارائه‌ی دافا فرا رسید و بعد از اینکه آن خدایان آمدند، می‌توانستید بگویید که مردم روی زمین که توسط خدایان خلق شده بودند سهم خود را برای اصلاح- فا به انجام رسانده بودند-- برای انسان‌ها آسان نبود که به آن نقطه در تاریخ برسند-- و بنابراین آنها در بُعدی دیگر، که چینی‌ها عالم اسفل می‌نامند، پشت سر نگاه داشته شده‌اند و اینجا بازپیدا نشده‌اند. در حال حاضر، جایی که آنها هستند هم‌اکنون به طور کامل طی اصلاح- فا جذب شده است. در حال حاضر، نیروی عظیم اصلاح- فا به خارجی‌ترین رویه‌ی این بعد بشری وارد شده است، و به خارجی‌ترین رویه‌ی پوسته‌ی بشری وارد شده است.

تمام راه تا به امروز، [مردم] نژادهای مختلف مثل ذراتی در زیر پاهای خدایانی بوده‌اند که آنها را خلق کردند؛ اگرچه مردم قادرند با یکدیگر ادغام شوند و در این بُعد با هم وجود داشته باشند، ولی به یک سیستم تعلق ندارند. وقتی دوره‌ی زمانی اخیر سررسید، داخل پوسته‌های نژادهای بشری مختلف خدایان مختلفی بودند که از آسمان‌ها آمده بودند. چیزی که در بالا مطرح کردم در مورد این بود که چه اتفاقی در سطح برای انسان‌ها می‌افتد. البته، دافا در حال ارائه است، و امروز این‌طور نیست که من در حال رهایی بخشیدن به سفیدپوستان و تبدیل کردن آنها به مردم نژاد زرد هستم، یا که در حال رهایی بخشیدن به مردم نژاد زرد و تبدیل آنها به سفیدپوستان هستم. (*افراد می‌خندند*) شما پیشاپیش درباره‌ی آن روشن هستید. من در حال ممکن کردن این برای هر کسی هستم تا به هرجایی که از آنجا آمده است برگردد، و اگر خوب تزکیه کنید به شما مقام دستیابی‌ای حتی بالاتر خواهیم داد. اگر یک خدا بودید، هنوز هم به شکل خدایی که در آغاز داشتید تزکیه خواهید کرد، و من با این کاری نخواهم داشت؛ اگر شما در اصل یک بودا بودید، هنوز یک بودا خواهید بود؛ اگر در آغاز یک دائو بودید، هنوز یک دائو خواهید بود. آنچه که از بین می‌برم تمام عناصر شما در جهان پس از تولد است که بد شده‌اند. و هم‌زمان، شما را در قانون بزرگ جذب می‌کنم، همه‌چیز را برای شما اصلاح می‌کنم، به شما چیزهای حتی

بهتری می‌دهم، و حالتی را به شما می‌دهم که خدایان آینده باید داشته باشند. (تثویق)

دلیل این است که موجوداتی مختلف، موجودات ذی‌شعور مختلف، و خدایان مختلفی درون کیهان وجود دارند، و آنها نمی‌توانند همگی به یک چیز تغییر داده شوند. نمی‌توانید چنین کاری کنید، و کیهان پررونق و کامیاب نمی‌شد. این صرفاً طوری است که هست. بنابراین تا جایی که مربوط به موجودات می‌شود، مهم نیست چه نمود بیرونی‌ای دارند، همگی آنها در تاریخ از میان روندی گذشته‌اند و همگی آنها ارزش گرمی داشتن را دارند، زیرا این روندی است که کیهان از میان آن گذشته است.

هم‌اکنون درباره‌ی بعضی از چیزهایی صحبت کردم که از شنیدن آن خوش‌تان می‌آمد (خنده). فکر می‌کنم بهتر این است که برگه‌های پرسش بیشتری ارائه نکنید. بعد از اینکه مرور چندین برگه‌ی باقی‌مانده را تمام کردم این را به پایان خواهم رساند چراکه نمی‌خواهم مقدار زیادی از وقت شما را بگیرم. این یک کنفرانس تبادل تجربه است، بنابراین هنوز لازم است که صحبت‌هایی را ارائه کنید و به رشد یکدیگر کمک کنید. آیا یک برگه هم‌اکنون نپرسید که چگونه می‌توانیم به صورت کل رشد کنیم؟/ این فرصتی برای رشد کردن به صورت کل است.

پرسش: رابطه‌ی میان یک موجود منفی و شیطان چیست؟

معلم: در حقیقت، من فقط وقتی که درباره‌ی قانون تولید متقابل و بازداری متقابل و تناظر میان موجودات مختلف در کیهان صحبت کردم موجودات منفی را ذکر کردم. در سطحی پایین، انسان‌ها وجود دارند و اشباح. در ارتباط با اشباح که صحبت کنیم، عبارت [چینی] "شیخ" (گوی) که مردم امروزی به کار می‌برند یک عبارت عام است، و در واقع انواع بسیار بسیار زیادی وجود دارد، از جمله اشباح، ارواح شیطانی، ارواح کوهستان، ارواح جنگل، هیولاها، عفريت‌ها، ارواح، اهریمن‌ها، و غیره. مردم معاصر به آنها در مجموع به عنوان "شیخ" اشاره می‌کنند. در این مکان بشری، انسان‌ها وجود دارند و اشباح. در بالاتر، بوداها وجود دارند و اهریمن‌ها. و حتی بالاتر،

موجودات مثبت وجود دارند و موجودات منفی. و چرا این طور است؟ زیرا هر چقدر بالاتر می شود، بهتر است— هر چقدر سطح بالاتر باشد، چیزها بهتر هستند. در سطوح بسیار بالا موجودات مثبت و منفی وجود دارند. به هر جهت، نمی توانید به موجودات منفی "اهریمن" بگویید. به کلی با اهریمن ها فرق دارند. ولی آنها متضاد موجودات مثبت هستند، و به همین دلیل است که یکی مثبت است و یکی منفی. از آنجا که هرچه پایین تر می شود بدتر است، وقتی که به سطح خاصی می رسد پادشاهان فا و پادشاهان اهریمن وجود دارند. بوداها پادشاهان فا هستند. در خصوص پادشاهان اهریمن، می توانم به شما بگویم که آنها نیز هیچ میل یا احساس بشری ندارند، و هیچ وابستگی بشری ای ندارند. آنها موجوداتی در آن قلمرو هستند، و به همین دلیل است که می توانند آنجا بمانند. فقط این طور است که آنها مهربان نیستند و بی رحمی نشان می دهند— این بیان آن با عبارتهای بشری است— اهریمن ها شرور هستند، و بوداها مهربانند، بنابراین آنها در ضدیت با یکدیگر وجود دارند، و به روش های متضاد به مسائل می پردازند.

در گذشته، مردم می گفتند که مهربانی و بداندیشی می تواند در یک فکر فرد باشد، که مهربانی یا بداندیشی از یک فکر فرد می آید. در این کیهان برای همه سخت است که کاری انجام دهند. زمانی که یک بودا می خواهد کار خوبی انجام دهد، به محض اینکه آن فکر به جلو می آید، بدخواهی بلافاصله به دنبال آن می آید. هر اندازه کار خوبی که انجام می دهد بزرگ باشد، چیز بدی که به دنبال می آید همان قدر بزرگ است. در رابطه با انسان ها هم همین طور است. هر اندازه کار خوبی که انجام می دهید بزرگ باشد، تضمین می شود که همان اندازه چیز بد با شما سر و کار خواهد داشت. بعضی از چیزها در این بعد متجلی می شوند، و بعضی از چیزها در این بعد متجلی نمی شوند— آنها در بعدهای دیگر تجلی می یابند. به طور مثال، فرض کنید شما کار خوب بزرگی برای کسی انجام داده اید و آن شخص از شما سپاسگزار است. به خاطر این که آن کار خوب را انجام داده اید موجودات دیگر ممکن است صدمه دیده باشند و ممکن است ضرر کنند. به عبارت دیگر، هر اندازه

کار خوبی که انجام می‌دهید بزرگ باشد، به همان اندازه چیزی بد اتفاق خواهد افتاد. بنابراین در گذشته قانون تولید متقابل و بازداراری متقابل مطلق بود، و وقتی موجودی می‌خواست کار خاصی انجام دهد، مطلقاً نمی‌توانست صرفاً همین‌طور آن را انجام دهد. آن خدایان... همه‌ی شما تعجب می‌کنید که چرا خدایان اگر قصد دارند کسی را نجات دهند مجبورند منتظر شوند زمان یا فرصت مناسب فرا برسد، و چرا گفته می‌شود که "زمان مناسب" یا "فرصت مناسب هنوز نیامده است"، یا اینکه "فرصت هنوز مهیا نیست". آنها نمی‌توانستند آن را انجام دهند چون قانون تولید متقابل و بازداراری متقابل بسیار مطلق بوده است و همه چیز را تحت بازداراری داشت. یک خدا به خاطر انجام یک کار خوب مطلقاً باعث اتفاق افتادن یک چیز بزرگ و بد نمی‌شد و در نتیجه باعث سقوط خودش به پایین شود. آنها مطلقاً چنین کاری نمی‌کردند. بعضی راهبان همین‌طور مدام از "نجات دادن مردم" می‌گفتند. بعضی اوقات فکر می‌کردم، "آنها واقعاً هیچ اطلاعی ندارند که این چقدر لافزنی است". آن‌طور که انسان‌ها تصور می‌کنند نیست. بنابراین، قانون تولید متقابل و بازداراری متقابل باعث شده که خدایان جرأت نکنند کارهایی را که می‌خواهند، انجام دهند.

پرسش: آیا نوع بشر پس از اصلاح- فای دنیای بشری، از بشریت امروز چیزی به یاد خواهد داشت؟

معلم: نوع بشر، بشریت آینده، آنها اصلاح- فای امروز را نسلی پس از نسلی دیگر می‌ستایند. (تشیب) حقیقت مربوط به این آزار و شکنجه هنوز به طور کامل به بشر نمایانده نشده است. بشریت می‌بهدت می‌شود. کمال مریدان دافا، وقوع هر چیزی که نوع بشر اعتقاد ندارد، و فرآیندی که همه‌ی چیزهای منحرف بشریت اصلاح می‌شوند— این‌ها بسیار تکان‌دهنده خواهند بود، و نه فقط می‌بهدت کننده بلکه هولناک. همه‌ی آن چیزها اتفاق می‌افتند. بنابراین این بخش از تاریخ برای ابد توسط نوع بشر انتقال داده خواهد شد.

پرسش: من خیلی احساس گناه می‌کنم چراکه مسائل خاصی را خوب انجام نداده‌ام.

با وجود اینکه کاملاً خوب می‌دانم نباید بیش از حد در احساس گناه غرق شوم و حتی اعتماد به نفسم را در تزکیه/م از دست بدهم، هنوز برایم سخت است که تکانی به آن بدهم.

معلم: شما مصمم نیستید— عزم کافی ندارید. به عنوان یک مرید دافا... نگاهی به آزار و شکنجه‌ای که مریدان دافا در سرزمین چین از آن زجر می‌کشند بیندازید. شما هم یک مرید دافا هستید، و با این حال قادر نیستید حتی ذره‌ای عزم راسخ در اینجا نشان دهید. چه چیزی است که شما آن قدر به آن وابسته هستید؟ آیا جریان این نیست؟ شما افکار درست کافی ندارید. اگر افکار درست کافی داشته باشید می‌توانید آن را انجام دهید.

پرسش: استاد، احساس می‌کنم که بعضی شاگردان به "افکار درست" تأکید زیادی می‌کنند ولی تا حدی "اعمال درست" را از نظر می‌اندازند، و به هنگام تبادل تجربه تقریباً هیچ‌گاه درباره‌ی این که چطور اعمال درست داشت بحث نمی‌کنند. لطفاً به ما بگویید که چگونه رابطه‌ی بین افکار درست و اعمال درست را اداره کنیم؟

معلم: توضیحش این نیست. وقتی می‌بینید فردی اعمال درست ندارد، در واقع این طور است که او افکار درست کافی ندارد، چراکه ذهن یک فرد اعمال او را هدایت می‌کند. زمانی که افکار درست شما به اندازه‌ی کافی قوی باشند اعمال‌تان قطعاً درست و صالح خواهند بود، و زمانی که افکار درست به اندازه‌ی کافی قوی نیستند اعمال درست نخواهند بود. هرچقدر هم مسئله‌ی افکار درست را به بحث بگذاریم و هر طور هم درباره‌ی آن صحبت کنیم، هنوز هم افرادی هستند که افکارشان نمی‌تواند درست شود، وقتی که بتوانید همیشه افکار درست‌تان را حفظ کنید اعمال‌تان به طور حتم درست خواهند بود. تماماً به این برمی‌گردد که چگونه شما، به عنوان مریدان دافا، خودتان را به خوبی اداره کنید.

پرسش: من مریدی هستم که فا را بعد از ۲۰ جولای ۱۹۹۹ کسب کردم. من فا را در سال ۲۰۰۰ کسب کردم. برایم پرسش است که می‌توانم همان نوع تقوای عظیم

میریدانی را داشته باشم که فا را قبل از ۲۰ جولای ۱۹۹۹ کسب کردند؟

معلم: در گذشته، پیش از ۲۰ جولای ۱۹۹۹، شاگردان در حال انجام تزکیه‌ی شخصی بودند، در صورتی که حالا زمانی است که به طور حقیقی تقوای عظیم بنا کرد. پس، آیا شما فا را در این زمان کسب نکرده‌اید؟ از نظر این که آیا کسی بتواند [تقوای عظیم داشته باشد]، برای همه یکسان است. آنها نیز در این زمان در حال بنا کردن تقوای عظیم هستند. فقط اینکه شما تزکیه‌ی شخصی‌تان با موضوعات آشکارسازی واقعیت‌ها و نجات موجودات ذی‌شعور آمیخته شده است. [تقوای عظیم را] تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

پرسش: آیا این طور است که میکروسکوپی‌ترین ماده‌ی کیهان، حدی دارد؟ اگر دارد، آیا آن بالاترین تجلی فا است، و بالاترین نقطه‌ی جن، شن، رن؟

معلم: "... ماده‌ی کیهان حدی دارد" -- به نظر می‌رسد که این جمله به انتها رسیده است، مگر نه؟ به انتها نرسیده است؟ اما می‌توانم به شما بگویم که وقتی در عالم میکروسکوپی جلوتر می‌روید دیگر هیچ ماده‌ای موجود نیست؛ به آن ماده گفته نمی‌شود، و کاملاً با ماده‌ی فعلی ما فرق می‌کند، اما هنوز هم به سیستم ماده متصل است. بنابراین اصلاً نمی‌توان آن را با زبان انسانی بیان کرد، و سخت است که با کلمات به نهایی‌ترین نقطه‌ی آن رسید. اما من راه‌هایی دارم که با کلمات به آن برسم.

پرسش: برخی از شاگردان فکر می‌کنند که جذب شدن خودشان در فا چیزی است که مهم‌ترین است، برای همین اغلب نمی‌خواهند خودشان را خیلی مشغول کنند و ترجیح می‌دهند زمان بیشتری برای تعمق بر روی چیزها داشته باشند. من فکر می‌کنم که پیشرفت اصلاح- فا خیلی سریع است، که وقتی چیزهایی هستند که باید انجام شوند باید بلافاصله آنها را انجام دهیم، و اینکه تا زمانی که بتوانیم با ذهنی آرام فا را مطالعه کنیم و وقتی با مسائل روبرو می‌شویم درون را جستجو کنیم، این با پشتکاری پیشرفت کردن به شمار می‌رود.

معلم: بله، درست است. در رابطه با بسیاری از چیزها نباید توسط عقاید و تصورات بشری محصور باشید. ممکن است بگویید که در قبل عادت‌های خاصی را شکل داده‌اید، اما آنچه امروز به مریدان دافا بخشیده شده حالت خدایان است، و شما باید به سمت حالت یک خدا پیش بروید. بسیاری از کارها را اگر به آنها با افکار درست بپردازید می‌توانید به خوبی انجام دهید. البته، تفکر روی مسائل کار شایسته‌ای است و اشتباهی در آن نیست. اما اگر شما غالباً زمان زیادی را می‌گذارید که بر روی مسائل فکر کنید و فرصت‌های بنا کردن تقوای عظیم‌تان در اصلاح-فا را از دست بدهید، آن موقع ضرر شما بیشتر از نفع‌تان خواهد بود.

پرسش: چگونه می‌توانیم درون اصول فایی که استاد به ما آموزش داده است بمانیم، در حصارهای ساخته شده توسط وابستگی‌هایمان به دام نیفتیم، قادر باشیم مسائل را از تمام جنبه‌ها هماهنگ کنیم، و همان‌طور که طی مرحله‌ی پایانی اصلاح-فا پیشرفت می‌کنیم حتی کوشاتر شویم؟ همچنین، هنگامی که به انجام کارهای دافا و درک اصول فا می‌رسد، چگونه می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که فقط به یک زاویه توجه نمی‌کنیم و قادر هستیم کارها را از تمام جنبه‌ها هماهنگ کنیم؟

معلم: گاهی اوقات وقتی شما افراد درباره‌ی موضوعی فکر می‌کنید یک نوع عادت شکل می‌دهید-- "می‌خواهم چنین و چنان کار را انجام دهم... این‌طور قصد دارم این کار را انجام دهم... این‌طور قصد دارم آن کار را انجام دهم". خیلی روی آن تعمق می‌کنید و، خوب، تا نقطه‌ای که احساس می‌کنید تمام چیزها را به شکل رضایت‌بخشی پوشش داده‌اید. اما زمانی که می‌روید آن کار را انجام دهید، وضعیت‌های واقعی و حقیقی به هزار شکل می‌تواند تغییر کند و طرح‌ریزی شما در حقیقت عملی نمی‌شود (خنده). و وقتی که کار نمی‌کند، دوباره شروع می‌کنید درباره‌ی آن به فکر بنشینید. به این شکل نباید کارها را انجام دهید. افکار درست داشته باشید! هر طور که فکر می‌کنید چیزی باید اداره شود، فقط به پیش بروید و آن را انجام دهید، و وقتی به مشکلات برمی‌خورید به طور طبیعی خواهید دانست

که چطور آنها را حل کنید. اگر افکار درست‌تان قوی باشند، همه‌چیز به نرمی پیش می‌رود و تضمین می‌شود که به‌خوبی عمل خواهید کرد. چرا به شما می‌گویم که کارها را این طور انجام دهید؟ منفعلانه به نظر می‌رسد، مگر نه؟ اما این درست نیست، زیرا جنبه‌ای از شما که با موفقیت تزکیه شده است همه‌چیز را می‌داند، و مهم نیست چگونه آن را انجام دهید، کار خواهد کرد، و اهمیتی ندارد چطور آن کارها را انجام می‌دهید قادر خواهید بود آنها را به‌خوبی انجام دهید. بنابراین صرفاً لازم است آن فکر را داشته باشید. وقتی که می‌دانید چه کار باید بکنید، فقط به پیش بروید و انجامش دهید، و درحالی که آن را انجام می‌دهید خردتان پیوسته به‌جلو می‌آید، چون در آن هنگام آن طرفی از شما که با موفقیت تزکیه شده است با این طرف شما در اینجا درمی‌آمیزد. آن یک خداست، که قادر مطلق است! پس البته که یک موضوع کوچک در یک چشم به هم زدن حل خواهد شد، و خردتان خودش را نشان می‌دهد— آن وقت متفاوت است! و اگر شما دربمانید استاد به شما خرد می‌دهد (می‌خندد). (تسویق)

پرسش: مریدان در تایوان به استاد گرامی درود می‌فرستند.

معلم: متشکرم! (تسویق)

پرسش: شاگردانی در تایوان هستند که جوآن فالون و نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر، و [مطالب] دیگر را به تایوانی ترجمه [و ضبط] کرده‌اند و از "پودو" و "جی‌شی" به عنوان موسیقی زمینه استفاده کرده‌اند. هر مجموعه به قیمت حدود پانصد دلار تایوان فروخته می‌شود.

معلم: هیچ موسیقی‌ای نباید به سخنرانی‌های فا اضافه شود— حتی موسیقی‌های دافا. هر چیز مرتبط با انتشار آثار من توسط شاگردانی که مسئول این موضوع هستند اداره می‌شود. همچنین، بگذارید به این صورت بیان کنم، برای هر چیزی قراردادی وجود دارد. بنابراین شاگردان ما نمی‌توانند سرخود کتاب‌ها را منتشر کنند، سرخود رفتار کنند، یا از آنها برای پول درآوردن استفاده کنند. حتی اگر هیچ پولی از آنها

به دست نیاورید هنوز نمی‌توانید همین‌طور به دلخواه خود کارهایی انجام دهید، به این خاطر که طی دوره‌ی اصلاح- فا هیچ حادثه‌ی بدی نمی‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین طی این زمان باید به چیزهای خاصی توجه کنید. در خصوص نوع بشر آینده، اخلاقیات مردم رشد می‌کند، همه از قوانین پیروی می‌کنند، هیچ‌کسی چنان کاری انجام نخواهد داد، و همه مراقب مسائل خواهند بود. در حال حاضر به این صورت نیست، شیطان دنبال شکاف‌هایی می‌گردد تا بهره‌برداری کند، و افراد درست‌کار نیستند، پس نمی‌توانیم به آن شکل آن را انجام دهیم. و اگر کسی بخواهد از آن کتاب‌ها استفاده کند که پول به دست بیاورد حتی کمتر قابل قبول است. راجع به ترجمه به تایوانی، من مخالف این نیستم که آنها را به تایوانی ترجمه کنید. اما مهم نیست چه می‌کنید، نمی‌توانید به دلخواه خود آن را انجام دهید. این نکته را کاملاً روشن کرده‌ام: وقتی به مسائل دافا می‌رسد هیچ‌کس نمی‌تواند سرخود کارهایی را انجام دهد. البته، با شرایط بخصوص حال حاضر سرزمین چین، برای شاگردان آنجا صحیح است که به منظور حل مشکل تهیه‌ی کتاب‌ها کارهایی انجام دهند، ولی باید اطمینان حاصل کنید که یک کلمه هم از کتاب‌های اصلی تغییر پیدا نکند. در بیرون از سرزمین چین مجاز نیست.

پرسش: عمیق‌ترین درکی که شاگردان با سابقه از فا دارند این است که در فا استوار بود و به استاد باور داشت. مایلم این پرسش را بپرسم: استواری و ایمان از کجا نشأت می‌گیرند؟ این موضوع شوهر مرا مدتی طولانی آزار داده است. چگونه می‌توانیم این نوع استواری بی‌مانند در فا را ترکیب کنیم و شکل دهیم؟

معلم: اینکه به چیزی باور داشت یا نه، اندیشه‌ی معقولانه‌ی یک انسان است. این چیزی نیست که من به شما بدهم، و حالتی نیست که بتوانید از طریق نوعی روش به آن دست پیدا کنید. مریدان دافا همگی ایمانی استوار به دافا دارند؛ این کلمات توصیفی برای مریدان دافا است. باور محکم آنها به دافا برخاسته از درکی معقولانه است، و از نوعی از عوامل که بر مردم تأثیر می‌گذارد ناشی نمی‌شود. یک موجود انسانی در بیرونی‌ترین سطح خود سه روح و هفت جان دارد. یکی از هفت جان،

"باور" نامیده می‌شود. یک فرد می‌تواند وقتی گفته‌ای را از شخص دیگری می‌شنود باور کند— این نقشی است که بر عهده دارد. اما این نوع از باور نمی‌تواند با ایمان درست به تزکیه مقایسه شود، چراکه آن، بیرونی‌ترین سطح بیرونی یک موجود بشری است، و فقط نقش فراهم آوردن نوعی ادراک را بر عهده دارد. اما ایمان درست یک مرید دافا یک حالت خدایی است. از درک معقولانه‌ای از حقیقت ناشی می‌شود، حالت خدایی جنبه‌ای است که با موفقیت تزکیه شده است، و قطعاً چیزی نیست که عناصر خارجی بتوانند تأثیری روی آن داشته باشند. موضوع این نیست که به خاطر داشتن باور محکم، باور محکم داشت، یا به خاطر استوار بودن استوار بود— نمی‌توانید به این طریق به آن دست یابید. از نقطه نظر من، به عنوان استادان، من از مریدان دافا چیزی را طلب نمی‌کنم. هرچیزی که آنها امروز انجام می‌دهند— اعتباربخشیدن به فا باشد، نجات موجودات ذی‌شعور، یا مطالعه‌ی فا و تزکیه‌ی خودشان— می‌توانم به شما بگویم که هیچ یک از این کارها برای من انجام نمی‌شود. در آینده، مریدان دافا می‌بینند که هرچیزی که مریدان دافا انجام دادند به خاطر خودشان بود. آنچه که نجات می‌یابد موجودات ذی‌شعور خودشان است، آنچه که درحال به کمال رساندن آن هستند بهشت‌ها و موجودات ذی‌شعور خودشان است، و برای خودشان تقوای عظیم بنا می‌کنند— تمام این کارها به خاطر خود مریدان دافا انجام می‌شود. حتی یکی از چیزهایی هم که انجام داده‌اید برای استاد نیست، و حتی یکی از چیزهایی هم که انجام داده‌اید برای هیچ کس دیگری نیست. (تسویق)

بنابراین نیازی نیست آنها را مجبور به انجام هیچ کاری کرد. تمام شاگردان به‌وسیله‌ی درک اصول فا صعود می‌کنند، و این تنها راهی است که بتوانند کوشاتر شوند، و این تنها راهی است که بتوانند در فا آن‌طور پابرجا باشند. به‌واسطه‌ی هیچ عامل خارجی‌ای نیست، و نمی‌توان با رسیدن به بعضی روش‌ها آن را حاصل کرد. استاد در جستجوی چیزی نیست، و چیزی از آنها نخواهد گرفت. من فقط به آنها چیزها را می‌دهم و برای‌شان چیزها را تحمل می‌کنم. قطعاً به این صورت است!)

تشویق) به همین دلیل است که به آنها می‌گوییم فا را بیشتر مطالعه کنند-- آنها مطمئناً برای استاد مطالعه نمی‌کنند.

پرسش: آسیب حزب XX به فرهنگ باستانی چین و تبلیغات الحادآمیزش از سال ۱۹۴۹ به بعد، منجر به موانع بزرگی برای مردم در درک دافا و این شکنجه و آزار شده است. می‌خواهم به طور مثال از این زاویه برای آشکار کردن واقعیت‌ها استفاده کنم، و مردم را راهنمایی کنم که در مورد اینکه چرا چنان نظم و ترتیب‌های مفصلی در فرهنگ باستانی چین وجود داشته فکر کنند. ولی به نظر می‌رسد که این ارتباطی به حقوق بشر ندارد. آیا می‌توانم از این زاویه صحبت کنم؟

معلم: بله، می‌توانید. می‌توانید این را با افراد فرهیخته و صاحب‌نظر به صحبت بگذارید. اما وقتی به فردی معمولی که با او برخورد می‌کنید می‌رسد، اگر به این شکل با او صحبت کنید، اوه، حتی اگر در روز فقط با یک نفر صحبت کنید شما را کلی خسته می‌کند (خنده). کلمات خیلی زیادی را می‌برد. این خوب است که از زوایای مختلف واقعیت‌ها را آشکار کنید. می‌توانید پیش بروید و به آن شکل با مردم صحبت کنید، اما در نهایت باید به صحبت در مورد شکنجه و آزار بپردازید.

پرسش: مریدان دافا در فوجو، فوشون، گوانگ‌جو، کن‌مینگ، چنگ‌دو، لشان، نان‌یانگ از استان هنان، چنگ‌ده، و شی‌آن به استاد درود می‌فرستند.
معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: مریدان دافا در جزیره‌ی سایپان، فرانسه، ماکائو، هنگ‌کنگ، انگلستان، ژاپن، مکزیک، اسپانیا، اسکاتلند، و رومانی به استاد درود می‌فرستند.
معلم: متشکرم. (تشویق) چون چیزی که روی کل این برکه است همگی درود هستند، فقط همه‌ی آنها را می‌خوانم.

پرسش: تمام مریدان دافا در هوی‌جو از استان گوان‌دونگ، نینگ‌بو از استان جه‌جیانگ، منطقه‌ی کائوشان در استان گوان‌دونگ، ووهان از استان هویی،

نان چانگ از استان جیانگ شی، شی یان از استان هوبی، تیان جین، نان جینگ، استان هونان، مغولستان داخلی، استان یون نان، شانگهای، پکن، استان جه جیانگ، و هوها ت به استاد درود می فرستند.

معلم: متشکرم. (تشویق) باید برگه هایی را که شما داده اید که به استاد درود می رسانند ترکیب کرده باشند. باز هم هست.

پرسش: تمام مریدان دافا در ونکوور به استاد درود می فرستند. تمام مریدان دافا در سنگاپور، اندونزی، یونان، و آمریکای جنوبی به استاد درود می فرستند.
معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: استاد گرامی، لطفاً به ما بگویید که مردم سنگاپور از کدام سلسله باز پیدا شده اند؟ (افراد می خندند)

معلم: پرسش هایی مثل این را دیگر نپرسید، چرا که در بعضی موارد دولت آن را درک نمی کند، و در بعضی موارد من نمی خواهم بگویم. سنگاپور از دار و دسته ی لی زی چنگ است. (افراد می خندند)

پرسش: تمام مریدان دافا در دانشکده ی پزشکی شماره ی یک ارتش چین به استاد درود می فرستند. مریدان دافا در تایلند و استرالیا به استاد درود می فرستند. مریدان در چانگ چون به استاد درود می فرستند. از استاد به خاطر نیک خواهی او و نجات تمام موجودات تشکر می کنیم. قطعاً خوب عمل می کنیم.

معلم: متشکرم. (استاد بلند می شود) (حضر می ایستند، تشویق برای زمانی طولانی)

بفرمایید بشینید. پس در رابطه با اعتبار بخشی به فاه، اکنون تقریباً چهار سال، آن را با موفقیت گذرانده اید. اهمیتی ندارد چه اندازه بیشتر زمان خواهد برد، درباره اش فکر نکنید، چرا که یک بار که درباره ی آن فکر کنید، یک وابستگی است! اهمیتی ندارد چه اندازه زمان می برد، مریدان دافا مسئول زدودن آن عناصر شیطانی، افشا کردن

شکنجه‌ی شیطانی، و نجات موجودات ذی‌شعور هستند. (تسویق)

خواه آنهایی باشید که طی این آزار و اذیت زندگی‌تان را از دست داده‌اید، یا آنهایی که طی این آزار و اذیت بسیار سختی کشیده‌اید، به خاطر داشته باشید: استاد قطعاً ذره‌ای شما را مایوس نخواهد کرد! (تسویق)

چیزی که در آینده انتظار مریدان دافا را می‌کشد بالاترین شکوه ابدی و تقوای عظیم است! (تسویق)

خواه شاگردی در سرزمین چین هستید یا در خارج از چین، امیدوارم همه‌ی شما از لحظه‌های پایانی بهترین استفاده را بکنید که خوب عمل کرده و حتی بهتر عمل کنید. به‌خصوص آنهایی از شما که خوب عمل نکرده‌اند، شما باید قدر زمان را بدانید و خوب عمل کنید. نگذارید فرصت از دست برود. یک‌بار که آزار و شکنجه پایان پذیرد و یک‌بار که نیروی شیطان دیگر کافی نباشد، این موضوع تمام خواهد شد، و در آن زمان واقعاً برای پشیمانی خیلی دیر خواهد بود. اگر این موضوع اتفاق نیفتاده بود شاگردانی که خوب انجام نمی‌دهند وجود نمی‌داشتند. اما حالا که اتفاق افتاده، و بعضی از شاگردان در بین شما خوب عمل نکرده‌اند، باید قدر زمان را بدانید و به خوبی عمل کنید. دلیلش این است که هر چه باشد اتفاق افتاده است؛ اگر اتفاق نیفتاده بود، اهمیتی نداشت. استاد قادر است هر کاری انجام دهد و قادر است همه‌چیز را اصلاح کند. اما حالا که این ماجرا اتفاق افتاده و باعث زیان شما شده است، خودتان باید برای زیان‌ها جبران کنید. امیدوارم که هیچ یک از مریدان دافا بیش از حد بر شکل چیزها تأکید نکنند. تزکیه‌ی خود شما، رشد خود شما، اعتباربخشی‌تان به فا در میان شیطان، نجات موجودات ذی‌شعور، و استوارانه خوب عمل کردن در طول مسیری که باید برگزینید چیزی هستند که از همه مهم‌ترند. (تسویق)

متشکرم. (تسویق طولانی)

۱- واحدی چینی برای اندازه‌گیری طول معادل $3/33$ متر